

# مجموعه مصنفات

## حکیم مؤس آقا علی مدرس طهرانی

جلد سوم:

رسائل فارسی، تقریبات، قطعات، تعلیمات تقلیل  
تقریرات و مناظرات

مقدمه، تهذیم، تصحیح و تحقیق  
حسن کدبور



النشرات اعلامیه  
تهران - ۱۳۷۸



کدبور، محسن

مجموعه مصنفات حکیم مؤس آقا علی مدرس طهرانی  
جلد سوم: رسائل فارسی، تقریبات، قطعات، تعلیمات تقلیل، تقریرات و مناظرات

چاپ نول: ۱۳۷۸

تعداد: ۱۵۰

حرولجیشی، چاپ و صحافی، مؤسسه اطلاعات  
جهة حقوق محفوظ است

شامل ۲ - ۴۱۶ - ۹۶۴ - ۴۲۳ - ۴۱۶ (جلد ۳) ISBN 964 - 423 - 416 - 2 (vol. 3)

شامل X - ۴۱۲ - ۹۶۴ - ۴۲۳ - ۴۱۲ (دوره ۳ جلدی) ISBN 964 - 423 - 412 - X (3 vol. set)

کدبور، محسن، ۱۳۷۸ -  
مجموعه مصنفات حکیم مؤس آقا علی مدرس طهرانی، جلد سوم:  
رسائل فارسی، تقریبات، قطعات، تعلیمات تقلیل، تقریرات و مناظرات  
۱۳۷۸ (د.ق.) / مقدمه، تنظیم، تصحیح و تحقیق محسن کدبور ..  
تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸.

۳: عکس.  
منتدرجات: ج ۱. تعلیمات اسنار، ج ۲. رسائل و تعلیمات. ج ۳. رسائل  
فارسی، تقریبات، قطعات، تعلیمات تقلیل، تقریرات و مناظرات.  
کتابنامه.

۱. فلسفه اسلامی، ۲. زیوی، علی بن عبدالله، ۱۳۷۸ - ۱۳۷۴ (د.ق.)  
سرگذشتاده، الف، عنوان.

۳۴۱/۲۳  
ن ۸۷۴ م

JX

## فهرست اجمالی

مقدمه

۱۷

### بخش اول: رسائل فارسی

۵۵

- ۱- رسالتی احکام الوجود و المادیه
- ۲- رسالت حقیقت محمدیه
- ۳- رسالت طریق حکما
- ۴- رسالت سرگذشت

۱۰۷

۱۲۵

۱۴۳

### بخش دوم: مقدمات و ترتیبات

۱۵۳

۱۶۱

۱۶۷

- ۵- مقدمه کشف الاسرار فی شرح اسرالایات
- ۶- تقریظ علی مقایع الغیب صدرالمتألهین
- ۷- تقریظ رسالت ایضاح الادب صدرالاپاضل

### بخش سوم: فطعات باقیمانده از آثار مفقوده

۱۷۳

۱۸۱

- ۸- اصول الحکم فی شرح انلوجیا
- ۹- اشعار و غزلیات

## بخش چهارم: تعلیقات نظریه

۱۰- تعلیقات علی رساله القواعد الفقیہة للمیرزا حسن الاشتبانی قدس سره

۱۸۷

## بخشنیجم: تصریفات و مناظرات

۱۱- تصریفات المبدع، والمعاد

۲۲۹

۱۲- رساله وحدت وجود

۴۹۹

۱۳- رساله فوائد

۵۰۵

۱۴- مناظرہ با محمد کریم خان کرمائی

۵۰۹

نمایه‌ها

۵۱۹

## مقدمة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على خاتم أئبياته محمد و على أهل بيته الطاهرين  
در این مقدمه ابتدا به اختصار به مفاد دو جلد اول و دوم مجموعه مصنفات حکیم  
مؤسس آقاعلی مدرس طهرانی اشاره خواهد شد، آنگاه به بازگویی تاگفتدهایی درباره لقب  
ناخرا «حکیم مؤسس» خواهیم پرداخت. سپس به تفصیل به معرفی چهارده اثر جلد سوم  
این مجموعه مبادرت خواهد شد و به ترتیب به این سویا الات درباره هر اثر به تفکیک پاسخ  
خواهیم داد؛ عنوان یاعناوین اثر، آیا آقاعلی در دیگر آثار خود به این اشاره‌ای کرده  
است؟ آیا این اثر در مجموعه‌های کتابشناختی معرفی شده است؟ معرفی کامل تسدیه‌های  
هر اثر شامل؛ تاریخ کتابت، نام کاتب، نشانی نسخه، ارزیابی کیفی سخنوارانه مشخصات  
چاپ سنگی و چاپ حروفی در صورت انتشار، اذلة اتساب هر اثر به آقاعلی، مقایسه مفاد  
هر اثر با آثار دیگر حکیم مؤسس، در هر اثر آقاعلی به کدامیک از دیگر آثار خود استناد  
کرده، از کدامیک از استند خود نقل کرده است؟ موضوع کلی هر اثر چیست؟ و مهمتر از  
همه تحلیل مفاد از اثرا به اختصار و اشاره به مسائلی که در هر اثر مورد بحث قرار گرفته  
است.

### سیوی در مجموعه مصنفات حکیم مؤسس

مجموعه آثار بجامانده از آقایی مدرس طهرانی رادر چهار مجلد تنظیم کرده‌ایم. مجلد اول مجموعه مصنفات حکیم مؤسس به مفصل ترین اثر آقایی یعنی «تعلیقات الاستفار» اختصاص یافته است. این تعلیقات در زمرة مهمنتین حواشی اسفار و حاوی برخی از درخشانترین ابتكار حکیم مؤسس است؛ لز آن‌جا که آقایی در بخش قابل توجهی از این تعلیقات، به تحلیل انتقادی حواشی حکیم متالله حاج ملا‌هادی سبزواری و ملا‌احمد اردکانی شیرازی پرداخته است، بعلاوه آقایی آراء دیگر اعاظم حکمت متعالیه لز قبیل آقامحمدی‌بیدآبادی، ملا‌علی نوری، ملا‌ اسماعیل اصفهانی و نیز نظرات اسانیدش میرزا محمد‌حسن نوری، ملام‌محمد‌جعفر لاھیجی لنگرودی و نیز ملا‌آقا‌قرزوینی (در مورد اخیر بدون تصویر) را مرور دیجث و بررسی و انتقاد فرارداده است، لذا این تعلیقات از ارزش بسیار بالایی برخوردار است.

جلد دوم مجموعه مصنفات حکیم مؤسس شامل چهار رساله عربی و ده تعلیقه فلسفی آقایی مدرس طهرانی است. رساله فی التوحید، رساله سبیل الرشاد فی اثبات المعاد، رساله فی مباحث العمل، و رساله فی الوجود الرابط مهمنتین تکنگاری‌های فلسفی حکیم طهرانی، بلکه هر یک در موضوع خود آخرین دستاوردهای فلسفه اسلامی است. چهار مسئله توحید، معاد جسمانی، حمل و وجود رابط از آفی تازه مورد بررسی قرار گرفته و به ویژه سه رساله اخیر ملام‌الامال از آراء ابتكاری و بدین آقایی است. مهمنتین توآوری این حکیم متالله در باره معاد جسمانی در رساله کم نظیر سبیل الرشاد تشریح شده است.

تعلیقات الشواهد الربوبیة، تعلیقات علی شرح الہادیۃ الائیریۃ، تعلیقات علی حواشی الہیات الشفا، تعلیقات علی حواشی شرح حکمة الاشراف، قسم اول تعلیقات فلسفی آقایی بر کتب صدرالمتألهین در بردارنده نکته‌سننجی‌های استاد‌الاساتید برآراء مؤسس حکمت متعالیه است. تعلیقات شوارق الالهام از جمله مهمنتین آثار آقایی، مجموعه دیدگاه‌های حکیم مؤسس در امور عame و الہیات بالمعنى الاعم است. تعلیقات علی حواشی الفیاض علی شرح الاشارات دیگر تعلیقات آقایی برآثار حکیم متالله ملاعبدالرزاق فیاض لاھیجی است. سومین قسم تعلیقات این مجموعه تعلیقات آقایی بر

آثار والدمکرمش ملاعبدالله مدرس زیوزی یعنی حواشی الزنوزی علی حواشی الفیاض علی شرح القوشی علی التجرید و لمعات الهیه مهمنتین اثر ملاعبدالله است. تعلیقات لمعات الهیه تنها اثر فارسی جلد دوم مجموعه است. بالاخره دو تعلیقه مختص تعلیمه واحدة علی الحواشی الجمالیة علی الحواشی الخفریة علی شرح القوشی، و تعلیمه علی حاشیه رسالت سرآلقلیر ابن سینا بایان بخش جلد دوم این مجموعه است.

در دیبال، به تفصیل به معرفی چهارده اثر دیگر آقایی در جلد سوم مجموعه خواهیم پرداخت. پذیع الحکم مهمنتین اثر حکیم مؤسس و یکی از پنج کتاب در جلد اول فلسفه به زبان فارسی و یکی از ده کتاب درجه اول فلسفه اسلامی به قول مطلق، جلد چهارم مجموعه مصنفات حکیم مؤسس به حسباب می‌آید.

### پیشینه لقب فاختر حکیم مؤسس

برخی از فلسفه بر اسطئه درخشندگی و خدمات علمیشان از جانب دیگر حکما به القابی که گویای جایگاه رفیع عقليپیشان است مفتخر شده‌اند، از آن جمله است؛ فیلسوف العرب (کنده)، معلم ثانی (فارابی)، شیخ الرئیس (ابن سینا)، شیخ اشراف (شهروردی)، امام المشککین (فخر الدین رازی)، عقل حادی عشر (خواجه نصیر الدین طوسی)، معلم ثالث (میرداماد)، سید‌الدقائق (صدر الدین دشتکی شیرازی)، صدر المتألهین (محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی)، آقایی مدرس طهرانی نیز بواسطه ابتكارات متعدد فلسفی، در زمان جیاتش ملقب به عنوان نیازله «حکیم مؤسس» شد. تصریف وی در مبانی و ارائه تقریرهای تازه از اصول صدرایی، نقد حکیمانه آرام فیلسوف پرآوازه شیراز، و ارائه نظریاتی جدید در نزدیک بیست مسئله فلسفی از اسپاب این لقب است. دیدگاههای بدین‌روی در مباحث معاد جسمانی، اعتبارات ماهیت، حمل، وجود رابط، علم و تقریرهای تازه‌ای از مسائل اصالت وجود، وجود و وجود، بساطت وجود، حرکت جوهری روابط عرض و موضوع، قوس صعود و نزول و...، شاهدی بر این مدعاست. علاوه بر مدلکی که بر رواج عنوان «حکیم مؤسس» در زمان حیات آقایی در صدر جلد اول مجموعه ارائه کردیم، در این مجال به مدارک دیگری در این زمینه اشاره می‌کنیم:

مدرك اول: در نسخه خطی مناظر آقای علی با محمد کریم خان که تاریخ کتابت آن جمادی الثالث ۱۲۸۱ هجری قمری است، لزوی با عبارت «حکیم علی مؤسس آقای علی» یادشده است. در این زمان آقای علی چهل و هفت ساله بوده است.

مدرك دوم: شیخ علی نوری (شیخ الشوارق) در نسخه اسنفار مدرسه مروی خواشی استاد شود آقای علی بر اسنفار را با عنوان «الاستاد المؤسس آقای علی مدرس» نقل کرده است.

مدرك سوم: طبقعی صدر الافضل داشت تبریزی که بیست سال از محضر آقای علی کسب فیض کرده و دو قصیده در رثای استاد خود سروده است، در تقریظ آقای علی بر رسالة ایضاح الادب خود، از او با عنوان «قدوة الحكماء المؤسسين» یاد می‌کند.

مدرك چهارم: شیخ محمد حسین غروی اصفهانی مشهور به آیت الله کنجانی صاحب تحفه الحکیم، فلسفه از دمهترین شاگرد آقای علی یعنی شهید محمد باقر اصفهانی آموخته، وی در جلد اول کتاب نهایة الدرایدی شرح الکفایه تاز آقای علی با عنوان حکیم مؤسس یاد کرده است.

مدرك پنجم: حکیم معاصر مرحوم میرزا مهدی مدرس آشتیانی صاحب تعلیمه بر منظمه و اساس التوحید، در شرح تحفه الحکیم مرحوم غروی اصفهانی در مبحث امتناع اعاده معلوم (صفحة ۱۱) نسخه خطی از آقای علی چنین یاد می‌کند: «کما ذیب الیه استاده المدرس المؤسس».

مدرك ششم: نسخه خطی رساله سرگذشت ظاهر آب خط غلامعلی شیرازی از شاگردان آقای علی، ناسخ تصریح کرده است: «این مختصر از روی نوشته استاد مؤسس آقای علی مدرس ادام الله ایام بر کاتبه نقل کردم».

مدرك هفتم: در مقدمه چاپ سنگی رساله فی الوجود الرابط (سال ۱۳۱۵ هـ.ق.) از نویسنده این گویه یادشده است: «الاستاد المؤسس آقای علی المدرس قدس روحه و روح فتوحه».

#### معرفی اجمالی جلد سوم مجموعه مصنفات حکیم مؤسس

در این مجلد چهارده اثر آقای علی را در ضمن بخش به شرح ذیل گردآورده ایم. از آنجا که کلیه تعلیمات فلسفی و نیز تمامی رسائل فلسفی عربی آقای علی مدرس را در دو مجلد اول و دوم گنجانیده ایم، این مجلد حاوی دیگر آثار بجامانده این جیکیم متأله است.

در بخش اول رسائل فارسی حکیم مؤسس گردآمده است. مراد از رسائل فارسی،

رسائلی است که با تمام‌آبده زبان فارسی به رشتۀ تحریر در آمده باشد یا حداقل بخشی از آن فارسی باشد. دو ثلث اخیر رسالت فی احکام الوجود و الماهیة و نیمة اول رسالت حقیقت محمدیه فارسی است. اما در رسالت دیگر یعنی رسالت تاریخ حکما و رسالت سرگذشت، تماماً فارسی است. لاین چهار رسالت، رسالت فی احکام الوجود و الماهیه فلسفی صرف است، رسالت حقیقت محمدیه عرفانی فلسفی است که این زاره قابل توجه می‌باشد. موضوع دو رسالت تاریخ حکما و رسالت سرگذشت، تاریخ فلاسفه است که در موضوع خود کم نظر نمی‌باشد. مفصل ترین این رسائل، رسالت فی احکام الوجود و الماهیه است.

در بخش دوم تحت عنوان مقدمات و تقریبات سه اثر مختصر آقای علی گردآمده است. بخست آخرین اثر ناتمام حکیم مؤسس بنام کشف الاسرار فی شرح اسرار الآیات ملاصدراست که تهابه نگارش مقدمه آن توفیق یافته است، دوم تقریظ بر تحسین چاپ مفاتیح الغیب ملاصدرا که حاکی از احترام و تحسین او نسبت به مؤسس حکمت متعالیه است و بالآخره تقریظ بر رسالت ایضاح الادب شاگرد و فادرش صدر الافضل تبریزی، از این سه، اول و سوم فارسی و دوم عربی است.

می‌دانیم که سه اثر از آثار قطعی الاستاد حکیم مؤسس متأسفانه به زمان ماندسته است. از این سه اثر از «رساله در اینکه متعلق از علوم حکمیه است تخمیناً سه هزار بیت»<sup>۱</sup> هیچ اثری بدست نیاوردیم. آقای علی در تعلیمات شرح الهدایة الائیریه و رسالت فی مباحث العمل از کتابی به نام «اصول الحكم فی شرح انقولجیا» قطعاتی نقل کرده است. ما این قطعات را از دو اثر فوق الذکر استخراج کرده، در کتاب هم به نام «باقیا اصول الحكم» بازسازی کردیم. ضمناً در انتهای رسالت سرگذشت تصریح کرده که «گاهی هم غزلیات می‌گفته است» اشعاری که از آقای علی به عنوان بقاوی اشعار و غزلیات گرد آورده ایم.

این دو قسمت را به عنوان «بخشی سوم» قطعات باقیمانده از آثار مفقوده آورده ایم. اگرچه اشتهر آقای علی در علوم عقلیه و حکمیه است، اما او در منقول نیز دست داشته، علاوه بر تحصیل منقول نزد والدش در تهران و مدت کوتاهی در نجف، دوران خارج

<sup>۱</sup>. رساله سرگذشت.

فقه و اصول را در نزد اعلم شاگردان شیخ اعظم مرتضی انصاری یعنی چناب میرزا حسن آشتیانی طی کرده، خود در فقه استدلالی کرسی تدریس داشته است. تنها اثری که از آقای اعلی در منقول بدست آورده‌یم، تعلیمه‌ای است بر یکی از رسائل استادش میرزا حسن آشتیانی در قواعد فقهیه. این تعلیمه نقلی بخش چهارم این مجلد را تشکیل می‌دهد و با آن آثاری که به خانم آقایی پسرش تحریر در آمده است بدایان می‌رسد.

بخش پنجم را به آثاری اختصاص داده‌ایم که اگرچه متعلق به آقایی است ولی افاضات فلسفی او می‌باشد اما به قلم شاگردان و علاقه‌مندان وی مکتوب شده است. عنوان این بخش راتقریرات و مناظرات نهاده‌ایم، و به لحاظ حجم اندکی پیش از نصف این مجلد را در بر می‌گیرد. مفصل ترین اثر این مجلد تقریرات المبدء و المعاد ملاصدرا است که تقریر دروس القا شده توسط آقایی به قلم پکی از شاگردان وی است. دورساله مختصر و حدت وجود و فوائد که ظاهرآ برگرفته از دروس آقایی و به قلم شاگردان وی است را در زمرة تقریرات وی آورده‌ایم. پایان بخش این مجموعه متن مختصر مناظره آقایی با کریمخان کرمانی در برخی مباحث فلسفی کلامی است که خلاصه آن توسط یکی از حاضرین یادداشت شده است.

در مجموع از چهارده اثر ارائه شده در این مجلد سه اثر عربی، سه اثر فارسی عربی و هشت اثر فارسی صرف می‌باشد. از این چهارده اثر، یک رسالت در فقه و اصول، سه اثر ادبی (البته با مضمون عرفانی و فلسفی)، یعنی اشعار و تقریظ رسالت ایضاح الادب و مقدمه شرح اسرار الایات به چشم می‌خورد؛ ده اثر دیگر که به لحاظ کمی اکثر قریب به اتفاق اوران این مجموعه را تشکیل می‌دهد فلسفی است. اکثر آفلبسنی صرف (تقریرات المبدء و المعاد، رسالت فی الوجود والماهیة، پایایا اصول الحكم)، یکی فلسفی کلامی (مناظره)، دو اثر فلسفی عرفانی (رسالت حقیقت محمدیه، رسالت وحدت وجود) و سه اثر در تاریخ فلاسفه است (رسالت تاریخ حکما، رسالت سرگذشت و تقریظ مفاسیح الغیب).

لازم به ذکر است که هیچ یک از آثار چهارده گانه جلد سوم در عدد آثار طراز اول حکیم مؤسس قرار نمی‌گیرد. البته اگر متن کامل اصول الحكم فی شرح اثولوجیا یافت می‌شود، (با توجه به استناد مکرر خود آقایی به آن) می‌توانستیم آن را استثنایی از این قاعده به حساب

آوریم. به هر حال سطح علمی پدایع الحكم و جلد اول و دوم مجموعه مصنفات از جلد سوم بالاتر است. اما این بدان معنی نیست که آثار چهارده گانه جلد سوم بی اعتبار و کم اهمیت است. آنچنانکه خواهیم دید، آثار این مجلد با کتب فلسفی بسیاری فلسفه‌قابل مقایسه است. پس از بیان مقدماتی و عمومی فوق الذکر ثوبت به بررسی تفکیکی و مشروح هر یک از آثار چهارده گانه می‌رسد.

### ۱- رسالت فی احکام الوجود و الماهیة

معروف این رسالت در گرو شناخت نسخه متحضر بفرد خطی مجموعه‌ای است که جاوی هفت رسالت آقایی می‌باشد، لذا قبل از هر بخشی به معرفی این نسخه می‌پردازم. در خزانه نسخ خطی کتابخانه عمومی مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی در قم مجموعه‌ای است به شماره ۵۵۸۸ که به نام مجموعه فلسفی آقایی بن عبدالله مدرس زنجیری ثبت شده است.<sup>۱</sup> این مجموعه ۱۲۳ ورق دارد که ۹ ورق آن سفید و فاقد مطلب است (بنابر این ۱۲۴ ورق مطلب درج شده دارد)، در این مجموعه هفت اثر با مشخصات ذیل به چشم می‌خورد؛ در آغاز آن ثبت شده است: «هو الواقع على الضمائر، از کتب موقفة أقل الخلقة كليعلى شرئى براولاد ذكور خود، فلهم التصرف عن الدقابلية والاستعداد».

۱- ورق ۱ تا ۱۳؛ هذه اشارات الى بعض مقاصد الشواهد الروبية.

۲- ورق ۱۷؛ [رسالة فوائد]

۳- ورق ۱۸ تا ۹۴؛ تقریرات متعلقة بمبدء و معاد

۴- ورق ۱۰۰ تا ۱۲۳؛ [رسالة فی احکام الوجود و الماهیة]

۱- فورست سخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی، نگارش سید احمد حسینی، قم، ۱۳۶۶، جلد ۱۴، صفحه ۳۵۳-۳۵۴. ایشان تهار سال اول، سوم و پنجم را شناسایی و معرفی کرده در انتهای ذکر شده لست؛ ادو مجموعه جز رسالت‌های ذکر شده از شده‌های پراکنده‌ی دیگری بیش آمده است بخلاف ذکر کرده است که این در خاشبۀ إحاثة الشواهد و حاشیة المبدء و المعاد را روی چند کاتب رسخه از تقریرات زنجیری معرفی کرده، بدین جهت از زرتشده‌های دیگری می‌باشد.»

۵- ورق ۱۲۶ تا ۱۳۶: «رساله توحیدیه مولانا العارف الكامل المحقق المدقق فیلسوف الاعظم آقاعلی مشهور بالملرس زاد الله توفیقه و عمره العالی» و در آخر آن: «تمت الرساله التوحیدیه فی شب جمعه فی شهر جمادی الآخری سنه ۱۲۹۴»

۶- ورق ۱۳۶ تا ۱۴۲: «فصل اول رساله فی مباحث الحمل»

۷- ورق ۱۴۲ و ۱۴۳: «رساله وحدت وجود صوفیه».

از هفت رساله این مجموعه، کاتب تها عنوان رساله را مشخص کرده: تعلیقات الشواهد الربوبیة، تقریرات المبدع و المعاد و رساله توحیدیه، عنوان چهار رساله دیگر در مجموعه نیامده است.

خط شش رساله یکنواخت و به یک قلم است و تنها رساله پنجم رساله توحیدیه با قلمی متفاوت و با خطی نیکو و مستعلیق نگارش یافته و اتفاقاً یکی از دو جانی که در تمامی مجموعه به اسم آقاعلی تصریح شده در آغاز همین رساله توحیدیه صفحه ۱۲۶ است. در تمامی این مجموعه تنها یک تاریخ در صفحه ۱۳۶ انتهای رساله توحیدیه به چشم می‌خورد: ۱۲۹۴

این مجموعه متعلق به کلبعلی شر لدی بوده که بر اولاد ذکور خود وقف کرده است. خط وقف نامه مختصراً با خط مجموعه (غیر از رساله توحیدیه) سازگار است. در نخستین صفحه مجموعه نامه‌ای است بدون نام مخاطب و نام نویسنده و استمداد درباره زنی که به بیماری قلقاری مبتلا شده و در آن از طبیبی بنام میرزا «ابوتراب قزوینی» ذکری به میان آمده است.

از این هفت رساله، پنج رساله در این مجموعه منحصر به فرد است و از آنها سه خط دیگری شناخته نشده است و تنها، دور رساله توحیدیه و مباحث الحمل فارغ از این مجموعه نسخ دیگری نیز دارد، و قطعاً متعلق به آقاعلی است اما دلیل این که پنج رساله دیگر متعلق به آقاعلی است:

اولاً: با توجه به تصریح پشت جلد این مجموعه رساله‌های اول و سوم از تقریرات دروس آقاعلی است. در حاشیه رساله سوم تقریرات المبدع و المعاد یک بار صریحاً «آقاعلی استاد» نام برده شده است، مقرر قطعاً شاگرد آقاعلی است، با عنایت به چندین نقل

از مرحوم میرزا حسن نوری استاد آقاعلی در متن تقریرات، استناد آن به آقاعلی مورد اطمینان است.

ثانیاً: در نخستین رساله خلاصه‌رای ابتكاری آقاعلی در معاد جسمانی تقریر شده است، لذا استناد این رساله نیز به آقاعلی مورد اطمینان است و با توجه به پشت جلد نسخه از تقریرات دروس آقاعلی است.

ثالثاً: سیاق و سبک نگارش رساله فی احکام الوجود والماهیة با دیگر رسائل آقاعلی از قبیل مباحث الحمل یا وجود رابط یکی است، انتساب این رساله به آقاعلی نیز با توجه به سطح مطالب آن و نیز مختار مصنف در مسائل مختلف مطروحه در آن مورد اطمینان است.

رابعاً: مختار رساله مختصراً وحدت وجود باری آقاعلی در بدایع الحكم سازگار است.

حاصل بحث، اگرچه کاتب این رساله مشخص نیست، واقف آن نیز علیرغم معلوم بودن نامش شناخته نیست، ولی با توجه به قرآن فوق الذکر بطور کلی، و قرائت متعدد مضمونی و محتواهی که در ضمن بحث جزئی از محتوای هر رساله مطرح شده و می‌شود، این مجموعه مطمئناً از آثار فلسفی حکیم مؤسس آقاعلی مدرس باز تقریرات دروس وی است، و هیچ دلیلی بر خلاف این اطمینان به چشم نمی‌خورد. هر چند میزان اطمینان این انتساب در همه رسائل پیکسان نیست و شدت و ضعف دارد، به هر حال این انتساب در اکثر موارد مقتضی نیست، اما ظن اطمینانی در چنین مواردی معتبر است.

اکنون پس از بحث کلی درباره این مجموعه خطی که منحصر به فرد چهار رساله این مجلد است به بحث جزئی درباره ارساله فی احکام الوجود والماهیة» می‌پردازیم. درباره این رساله نکات ذیل قابل ذکر است:

۱- نسخه منحصر به فرد این رساله ورق ۱۰۰ تا ۱۲۳ چهارمین رساله مجموعه خطی ۵۵۸۸ کتابخانه عمومی مرحوم آیت الله مرعشی بجنی در قم است. نام کاتب و تاریخ کتابت مشخص نیست. خط آن همان خط پنج رساله دیگر این مجموعه است و احتمالاً در زمان حیات حکیم مؤسس لوشته شده است (با توجه به تاریخ کتابت رساله توحیدیه

دلالت دارد نه بر تعدد، به هر حال اگر چه نه وحدت رساله مقطوع است نه تعدد آن مردود، اما وحدت رساله اقوی است، والامر سهل. مهم محتوای فصول رساله است.

۵- در رساله بیست و دو عنوان عربی به چشم می خورد، که اگر اوائل رساله نیز بقایای یک فصل به حساب آوریم، از این رساله بیست و سه فصل در دست است. عنوانین رساله از قبیل تمثیل و تنظیم، نقد و حل، دفع و ازاحة، شک و تحقیق، هدم و دعامة، توضیح و تتفییج، وهم و تنبیه، فرقان و تبیان، بحث و تتفییج، ابانة، تلخیص و تخلیص و... با عنوانین فصول رساله فی مباحث الحمل و رساله فی الوجود الرابط بر یک منوال و کاملاً سازگار است. تنها فصل چهاردهم طولانی تر از بقیه فصول و تزدیک نیمی از رساله را شامل می شود، که در فصول انتهایی رساله فی مباحث الحمل نیز چنین فصول طولانی دیده می شود.

۶- به لحاظ محتوا و حتی الفاظ بکار برده شده، فصل سوم این رساله «ندو حل» با فصل ۲۸ «تمیم و تخدیم» رساله فی مباحث الحمل یکسان است، هکذا افاده فصل چهارم «دفع و ازاحة» با فصل ۲۶ رساله فی مباحث الحمل. دیگر فصول این رساله نیز با رساله فی الوجود الرابط و رساله فی مباحث الحمل بسیار نزدیک است.

۷- در این رساله، آراء صدر المتألهین در «کتاب مستطاب اسفرار»<sup>۱</sup> بیش از همه مورد توجه، بحث و تحلیل اتقادی حکیم مؤسس واقع شده است، به علاوه به کرات تعلیقات ملاعلی نوری بر اسفار مورد استناد و بحث واقع شده است. در آغاز فصل دهم رأی «بعض الافضل ممن ادركنا عصره فی بعض تعلیقاته علی الاسفار الاربعة» در ایراد بر صدر المتألهین مورد مناقشه و نقد آقاعدی واقع شده، احتمالاً مراد از این بعض ملاآقازوینی یا میرزا حسن نوری باشد، هر چند با توجه به عدم انتشار تعلیقات این دو حکیم متاله اظهار نظر در این باره دشوار است. علاوه بر سه حکیم فرق الذکر، آراء شیخ الرئیس این سینا، شیخ اشراف و میرسید شریف چرجانی نیز در این رساله مورد بحث و نقد واقع شده است.

۸- با توجه به ادله کلی و بر اینین چزئی که گذشت و نیز باعنایت به مضامین مورد بحث رساله و سطح مطالب، سبک و سیاق و آراء اختیار شده در آن، در اتساب این رساله به

<sup>۱</sup> آقاعدی غالباً از اسنار با این تعبیر احترام آمیزیده می کند.

۱۲۹۴- رساله پنجم این مجموعه) تهانم واقف این مجموعه. کلبلی شرندی - مشخص است که هیچ اطلاعی از وی در دست نداریم.

۲- متأسفانه این رساله ناقص الاول و الآخر است. دورق قبلی و بعدی این رساله سفید است. رساله قبلی آن تقریرات المبدء والمعاد و رساله بعدی آن رساله توحیدیه است. یقیناً این رساله از هر دور رساله قبلی و بعدی مستقل است. نحوه تبوب و سیاق مطلب آن نسبت به هر دور رساله و خط آن با رساله فی التوحید متفاوت است. متأسفانه جمله اول و آخر رساله ناتمام است.

۳- بد واسطه تقصیان ابتداء انتهای رساله، نام رساله نیز مشخص نیست، از این رساله در هیچ یک از آثار آقاعدی و نیز مجموعه های کتاب شناختی ذکری به میان نیامده است، نام «رساله فی احکام الوجود و الماهیه» را با توجه محتوای آن برگزیدیم، به هر حال گزینش این نام از نگارنده است.

۴- ثلث اول این رساله به زبان عربی نگارش یافته است و دو ثلث اخیر آن فارسی می باشد. در اینجا سؤالی جدی مطرح می شود: آیا تغییر زبان خود دال بر عدم وحدت و تعدد رساله نیست؟ به بیان دیگر آیا این رساله است یا بک رساله؟ بر عدم وحدت و هکذا تعدد رساله دلیل قطعی در دست نیست. رساله حقیقت محمدیه نیز دوزبانی است، هکذا تقریرات المبدء والمعاد نیز عربی فارسی است، لذا اینکه در اثر واحدی آقاعدی به دوزبان پنویسد، سبقه دارد، به علاوه مطالب فارسی می تواند دیالله مطالب عربی به حساب آید، عنوانین فصول دو بخش فارسی و عربی نیز بر یک منوال است و همگی به سیاق عربی، این موارد قرائی وحدت رساله است، از سوی دیگر طولانی بودن بی سابقه فصل چهاردهم «تعییم و تتمیم» و آغاز بخش فارسی با عنوان کم سابقه «برهان فلسفی» و نیز یافت نشدن مشارکیه جمله آغازین فارسی «بدانکه لفظ حقیقت چنانکه دانستی گاه باشد که بر فرد نفس الامری و مصدق واقعی اطلاق می شود...» حال آن که در بخش عربی رساله چنین بخشی ذکر نشده است، لز قرائی تعد و عدم وحدت رساله است، اما این قرائی برای تعدد رساله کافی نیست زیرااحتمال دارد که بحث از «حقیقت» در قسمت محفوظ عربی بوده باشد، عنوان برهان فلسفی نیز بی سابقه نیست، طولانی بودن یک فصل نیز نه بر وحدت

حکیم مؤسسه بحثی بیست و مطمئن‌آمی توان آن را در زمرة آثار حکیم مؤسسه به حساب آورد. ضمناً این رساله تاکنون منتشر نشده است و برای نخستین بار در این مجموعه به زیور طبع آراسته می‌شود.

#### تحلیل مفادر رسالت فی احکام الوجود والماهیة

**مسئله اول:** موجود در تحلیل عقلی به وجود و ماهیه تجزیه می‌شود، هرچند در واقع وجود و ماهیت متحدد و حکم هر یک بر دیگری حمل می‌شود، این حمل به لحاظ فلسفی مجاز است و به لحاظ عرفی حقیقت.

**مسئله دوم:** دو قضیه «فلان» موجود فی السماء» و «فلان معدوم فی السماء» در گونه قابل تحلیل فلسفی است، یکی این که «فی السماء» قید محمول باشد، و دیگری این که ظرف و قید نسبت حملیه باشد، نقیض این دو قضیه در دو صورت فوق کاملاً باهم متفاوت است، در یکی رفع وجود خاص است و در دیگری رفع وجود مطلق.

**مسئله سوم:** ارتفاع نقیضین مطلقاً منوع بیست، چرا که بین سلب المقید و السلب المقید تفاوت است. بنابر این رفع وجود مقید به مرتبه می‌باشد با توجه به ظرائف فوق تحصیل شود. ارتفاع نقیضین در یک مرتبه ممتنع است، اما در دو مرتبه هیچ دلیلی بر امتناع آن در دست نیست. توجه به ابتکار صدرالمتألهین در تفسیک مفاد حمل اولی از حمل شایع صناعی فهم ارتفاع نقیضین مجاز و ارتفاع نقیضین منوع را تسهیل می‌کند، به عبارت دیگر ارتفاع نقیضین به حمل شایع منوع و به حمل اولی مجاز است.

**مسئله چهارم:** چگونه از یک سو امکان، ذاتی ماهیت قلمداد می‌شود و از سوی دیگر گفته می‌شود الماهیه من حیث هی لیست الاهی، یعنی حتی در آن امکان اخذ نشده است؟ آقایی پایان سه معنای مختلف برای امکان، به تحلیل رأی صدرالمتألهین در فرق بین سلب تحصیلی و ایجاب عدولی در معنای امکان می‌پردازو در دبیاب با بررسی نظر ملاعلی نوری، به بیان تفاوت بین لوازم ماهیت و لوازم وجود می‌پردازد.

**مسئله پنجم:** به تفاوت ظریف بین این که بر ذاتی مفهومی صدق کند از یک سو، و بین این که ذاتی مصداق مفهومی قرار گیرد از سوی دیگر، اختصاص دارد، در حقیقت آقایی

در این مسئله به زیباترین وجهی این عبارت صدرالمتألهین در اسفرار «فرق بین کون الذات مصدق اعلیها الصدق مفهوم و کونها مصدق افقاً صدقه» را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

**مسئله ششم:** حمل مفهوم بر ذات مصدق اعلیها (او نه مصدقان) ضروری است، اما همواره این ضرورت واحد نیست، آقایی سه نوع مختلف ضرورت در این حمل شناسایی کرده که از ابتکارات وی شمرده می‌شود.

**مسئله هفتم** به تحلیل فرق بین حمل امکان بر ماهیت به عنوان سلب اقتضا و بین سایر سلوب ماهیت اختصاص دارد. توجه به دو قضیه «الماهیه من حیث هی لیست الاهی» (تقدیم حیثیت بر سلب) و قضیه «الماهیه لیست من حیث هی الاهی» (تأخر حیثیت از سلب) در فهم دقیق معنای امکان کارساز است. آقایی با دفاع از رأی صدرالمتألهین به ابرادهای ولرد، بر روی پاسخ می‌گوید و تصریع می‌کند که صحیح تقدیم سلب بر حیثیت است، تحلیل سه تفاوت ذیل در رساله به پیترین وجهی ارائه شده است:

- اول: تفاوت بین ماهیت به مثابه مصدقان صدق معمول، و ماهیت به مثابه عنوان و مصدق علیها.

#### دوم؛ تفاوت بین سلب المقید و السلب المقيد

#### سوم؛ تفاوت بین حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی

بنابر این امکان، از آن حیث که در مرتبه ماهیت است از آن سلب می‌شود، و از آن حیث که در مرتبه متاخره از ماهیت است، برای ماهیت فابت است و بین این دو تنافی نیست، مهم این است که، تفاوت این دو مقام درک شود. مقایسه دوازده فصل اول این رساله با بحث امکان در جلد اول اسفرار و مقایسه آن با حوشی مختلف اسفرار در این موضوع حاکی از برتری جدی علمی حکیم مؤسسه بر دیگر حکیمان متعالیه است.

**مسئله هشتم:** حقیقت در فلسفه به سه معنی یکار می‌رود؛ یک؛ فرد نفس الامری و مصدق واقعی، دو؛ مصدر احکام و مبداء آثار مطلوبه، سه؛ به معنی ثابت. بر ماهیت من حیث هی حقیقت به هیچیک از معانی سه گانه ایش صدق نمی‌کند. اطلاق حقیقت فقط شایسته وجود است و پس.

**مسئله نهم:** آنچه بر ماهیت به حمل شایع صناعی حمل می‌شود بر یک منوال نیست،

بلکه، سه حالت متصور است:

قسم اول: ماهیت در مرتبه ذات مصدق برخی از محمولات است.

قسم دوم: ماهیت ذاتاً مصدق آن محمول نیست، اما مصدق علیهای آن است.

قسم سوم: ماهیت ذاتاً نه مصدق آن محمولات است، نه مصدق علیهای آنها.

پس از اینه مثال برای هر یک اقسام سه گانه، مشخص می‌شود که چنین تقسیمی تها

در حمل بر ماهیت میسر است، اما در حمل بر وجود چنین اقسامی راه ندارد.

مسئله دهم: مقصود از ذهن و خارج ظرف و مکان نیست، بلکه دو نوع وجود است

که در یکی آثار مطلوبه ماهیت بر او مترتب است و در دیگری مترتب نیست. بنابراین آثار

مطلوبه بر نفس ماهیت مترتب نیست و این ترتیب واسطه می‌خواهد، و این واسطه بجز وجود نیست.

مسئله یازدهم: وجود اعراض فی انفسها وجود آنها در موضوعاتشان است. پس

محليت عین وجودات موضوعات بوده و از ماهیات آن موضوعات خارج می‌باشد. از این رو

موضوع از جمله مشخصات است و واضح است که انتقال عرض از موضوعی به موضوع

دیگر مجاز نیست. از اینجا بر هانی دیگر بر عینیت وجود موضوعات بدست می‌آید، هکذا

تجرد اعراض بر موضوع واحد و اتصاف موضوع واحد به اعراض غیر قاره دلیل بر تحولات

ذاتی موضوع و حرکت جوهریه است. بنابراین اعراض با موضوعات به یک وجود موجود

می‌باشند.

مسئله دوازدهم: عرض و عرضی بذات متحدمی باشند و به اعتبار مفترق، اگر به

شرط لا اعتبار شود عرض بود و اگر لا پشت طلحاظ شود، عرضی باشد. به عبارت دیگر

اگر بوجود استقلالی اعتبار کنی، عرض باشد و اگر بوجود تسبیبی اعتبار کنی، عرضی. آنگاه

حکیم مؤسس به تبیین اقسام هفت گانه نسبت عرض و موضوع متبع آن می‌بردازد که از

ابتکارات ظرفی وی است.

باتوجه به تبعیت وجود اعراض نسبت به وجود موضوعاتشان، چنین وجودی دو

درجه دارد، درجه ضعیف و تابع و درجه شدید و متبع، به حسب درجه شدید متبع و

موضوع است و به حسب درجه ضعیف تابع و عرض. آقایی از اینجا رابطه فصل با صورت

و جنس باهیولی را مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهد.

مسئله سیزدهم: یکی از مواضع اختلاف بین مشاء و اشراق در تشکیک در طبایع مرسله در این است که آیا ممکن است که دو چیز که به نفس ماهیت و جزء ماهیت و لواحق ماهیت مفترق باشند تمایزشان به اختلاف مراتب ماهیت در کمال و نقص باشد یا ممکن نیست؟ حکیم مؤسس پس از تحلیل انتقادی در برخان مشائین بر امتناع تشکیک در ذاتات، از مدعای حکمای اشراق در این زمینه به شیوه صدرالمتألهین و در تکمیل مطالب وی دفاع می‌کند.

مسئله چهاردهم: عارض بر دو قسم است عارض وجود و عارض نهاد. مقصود از اعتبار وجود در عروض، مجرد مدخلیت وجود بود، خواه در عروض و حمل واسطه بود، و خواه در ثبوت واسطه، عارض وجود عارضی بود که بعد از تقریر ماهیت به تقریر وجودی ماهیت را عارض شود و عارض ماهیت عارضی بود که ماهیت را پیش از تقریر او تقریری بر مرتبه تقریر معقول نبود، هر چند لازم و عارض ماهیت با ماهیت در وجود متحدد است.

مسئله پانزدهم: جنس به نسبت با فصل از لازم وجود بود، و فصل به نسبت با جنس از عارض ماهیت زیرا جنس بدون اعتبار فصل فاقد تحصل است، از اینرو است که فصل مانند عملت مفيدة طبیعت جنس است و این اقتضاء و علیت فصل از سنت وجود است. لذا فصول حقیقی وجودیام را تابع وجود است.

آنچه به اجمال گذشت برخی از مسائلی است که در این رساله شریفه مورد بحث واقع شده، تحلیل تمامی مسائل مطروحه در این رساله و تحلیل انتقادی هر یک از این مسائل مجالی دیگر می‌طلبید.

## ۲. رساله حقیقت محمدیه

۱. از این رساله دو نسخه خطی در دست است:

اول: مجموعه خطی شماره ۶۴۵۹ کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری) صفحه ۳۴۸-۳۶۴. تاریخ کتابت ۱۲۹۷ هـ.ق. متأسفانه پس از نگارش فهرست نسخ خطی کتابخانه مدرسه، برگ آخر این رساله مفقود شده است. در آغاز این نسخه تصريح

شده که این رساله از رسائل «آقایی مدرس دام ظله» است. از این نسخه بدخل خط باعلامت «س» یاد کرده ایم.

دوم: مجموعه خطی شماره ۹۱۸ کتابخانه مدرسۀ مروی تهران. تاریخ کتابت و نام کاتب رساله مشخص نیست. در آغاز و انجام آن اشاره‌ای به این که رساله متعلق به آقایی است دیده نمی‌شود. در همین مجموعه، رساله‌ی الفعلة والمعلول از آقایی با تاریخ کتابت ۱۲۹۸ هـ. ق درج شده است. از این نسخه باعلامت «م» یاد کردیم. نقص انتهای نسخه پیشین را با این نسخه جبران کردیم.

چون هیچیک از این دو نسخه بر دیگر رجحانی نداشت، متن رساله بر اساس هر دو نسخه تصحیح انتقادی شده است. این رساله تاکنون مطلقاً منتشر نشده است و برای نحسین پار در این مجموعه به زیر طبع آراسته می‌شود.

۲- آقایی در دیگر آثار خود از جمله رساله‌ی سرگذشت، از این رساله یاد نکرده، بعلاوه در مجموعه‌های کتابشناسی از قبیل لزیعه نیز به این رساله اشاره‌ای نشده است. در هیچیک از دو نسخه آن نیز عنوان خاصی برای آن تعیین نشده است. در سطور آغازین آن آمده است که این رساله «در بیان معنی مرشد و هادی و اثبات وجود ادار» است. می‌توان رساله را به همین نام نامید. با توجه به این که در اواسط رساله، در مراتب سلوك و مراحل وجود بحث از حقیقت محمدیه به میان می‌آید، تبر کا عنوان «رساله حقیقت محمدیه» را برای آن برگزیدیم.

۳- در این رساله استناد به آیات و روایات بیش از آثار فلسفی خالص آقایی به چشم می‌خورد، در موضوعی مستقلابه تشریح برخی احادیث عالیه‌المضامین پرداخته است. اما در سراسر رساله حتی یکبار به اقوال و آراء فلاسفه یا عرفان استناد نشده است.

۴- بر اتساب این رساله به حکیم مؤسی ادلّه‌ذیل قابل اقامه است:

اول: تصریح در آغاز نسخه خطی «س» به این که این رساله از رسائل آقایی مدرس است.

دوم: برخی از مباحث این رساله در دیگر آثار آقایی عیناً تکرار شده است، به عنوان نمونه ارکان اربعه عرش الهی در بداع الحکم و تعلیقات الاسفار به همین سبک و سیاق به چشم می‌خورد. هکذا تفسیر عرفانی حدیث «کنت کنیْ ام خفیاً» که به تفصیل در

بدایع الحکم آمده است.

سوم: اکثر قریب به اتفاق احادیث مورد استفاده این رساله در دیگر آثار آقایی مکرراً مورد استناد قرار گرفته است. وجه استناد در این رساله با وجوده استناد در دیگر رسائل مشابه است.

چهارم: آراء مختار این رساله هیچ منافری با آراء مشهور آقایی در دیگر آثارش ندارد، بلکه در برخی مورد کمال سازگاری با دیگر آثار وی نیز دارد.

پنجم: عنوان فصول معدود این رساله به سبک فصل‌بندی دیگر آثار آقایی از قبیل بدایع الحکم و رساله‌ی مباحث العمل است، به عنوان نمونه: قسمة عقلية في الكلمة فلسفية باعنوان بدایع الحکم، واستقاد عرش، تمثيل، توضيح و اثارة باعنوان رساله‌ی مباحث العمل و رساله‌ی الوجود الربط قابل مقایسه است.

ششم: سبک و سیاق این رساله با شیوه حکیم مؤسی بویژه در بدایع الحکم سازگار است.

به هر حال با توجه به قرآن فوق الذکر، اتساب این رساله به آقایی مورد اطمینان است و دلیلی هم برخلاف آن اقامه نشده است.

۵- رساله بازبان فارسی آغاز می‌شود. فصل دوم عربی است، از آغاز فصل سوم تا نیمه رساله فارسی و نیمه دوم رساله کلاً عربی است. در آغاز رساله تنها چهار عنوان به عنوان فصل به چشم می‌خورد. اما در اکثر متن رساله که بعد از عنوان چهارم آمده، فصل‌بندی فراموش شده است. ضمناً در این رساله به هیچیک از دیگر آثار آقایی نیز استناد نشده است.

#### تحلیل مفادر رساله حقیقت محمدیه

۱- رساله حقیقت محمدیه رساله‌ای عرفانی فلسفی در بیان معنی مرشد و هادی و اثبات وجود او بر اساس حکمت متعالیه است چرا که حصول مراتب سلوك و درجات سالکین و منازل سائرین و مناهل و اصلین متوقف به ارشاد مرشدین و هدایت هادین است.

۲- موجود عقلائی بر چهار قسم است: ناقص، مستکفی، تمام و فوق تمام. ناقص

موجودی است که کمالات در او موجود نیست، ولی قوّه کسب کمالات را دارد است و حصول استعداد به مقدّاتی خارج از ذات او و مبانی از مقومات ذات او منوط پاشد، مانند صور حسیه قائم به مواد چشمیه.

۳- مستکفى موجودی است که کمالات او در ابتدای فطرت موجود نباشد، این کمالات به حصول استعداد از مبدء صور و فیاض خیرات برا افاضه شود، لکن در حصول استعدادات به مقدّاتی خارج از ذات خود و اسبابی مبانی از مقومات نفس خود محتاج نباشد، بلکه در این استكمال به ذات خود و باطن ذات و به مقوم ذات مستکفى بود، این باطن و مقومات در سلسله تصاعد به باطن البواطن و مقوم المقوّمات یعنی رب الارباب منتهی می شود و در سلسله تنازل به باطنی که پانین تراز آن باطنی نیست منتهی می شود، مستکفى عالم نفوس است، از عالم نفوس، نفوس حیوانیه، نفوس فلکیه، و نفوس انبیاء علیهم السلام اراده شده است، نفوس حیوانیه از آن جهت که صور مثالید و اشباح محبوبه اند و جهت قوه در مواد لطیفه آنها مستهلك و لازم ضعف در کمال لطف است و جمیع جهات قوه از آنها مرتفع است مگر قوه مراتب در درجات جوهر خیال و تجدادات صور خیالية.

نفوس فلکیه و ملائکه مدبّره سماویه نیز از بابت لطافت مواد در خروج از قوه به فعلیت در حرکات شوقيه به مبادی ذاتیه و مقومات باطنیه عقلیه اکتفامی کنند، نفوس انبیاء علیهم السلام نیز از جهت لطافت ترکیب عناصر و اعتدال مزاج و طهارت طبیعت در حصول کمالات نفسانیه به افاضه مبدء المبادی و استعداد ذاتی مستکفى باشند با اختلاف در درجات نفوس قدیسیه ایشان در وصول به مدارج حقائق.

۴- تامه موجودی است که از همه جهت از قوه و امكان استعدادی خالی باشد و تمامی کمالاتی که به حسب قوه عقلید و امكان ذاتی قابل آنهاست در اول وجود به او افاضه می شود، مفارقات محضه و مجردات صرفه و عقول شامخه یعنی کروپین و اهل جبروت از این قسم هستند.

۵- موجودات شاه باطن - موسوم به جواهر ملکوتیه - بر دو قسمند: قسم اول: کروپین موجوداتی هستند که نه در اصل وجود، و نه در صدور افعال و تلبیر محتاج ماده نیستند. کروپین دو طائفه اند: طائفه اول مسبّحون که آنها باید غیر ذات حق و صفات و اسماء

او التفاتی نیست، حتی لذات و صفات خود نیز غافلند، واله و حیران حق آند. طائفه دوم را التفات تربیت بیمادرن خود است و سلطنت جود و رحمت حضرت حقند. طائفه اول همان عقول طولیداند، طائفه دوم همان عقول عرضیه می باشند.

۶- قسم دوم از جواهر ملکوتی موجودی است که در اصل وجود از تعلق حلولی به ماده هیچی است ولی چون تمام کمالات او به حسب اصل وجود حاصل نیست، لذا اسباب داخلیه یا خارجیه از مبدء خیرات استفاده و استكمال می کند تا به حقیقت تامة کامله شبیه شود، حدیث شریف «الماخلق اللہ العقل استنطقه ثم قال له اقبل فاقبل...» در وصف همین موجود کریم صادر شده است.

معیار وجود قرب به حق است و میزان قرب قوّه اطلاق ظهور است، که تخلق باخلق الله می باشد. آن مرتبه شامخه مرتبه محمدیه است. نام دیگر حقیقت محمدیه دره بیضاء یار کن ایض می باشد.

۷- عرش هویت یاعرشن وجود چهار رکن دارد؛ رکن اول؛ عقل کل، قلم اعلی، دره بیضاء و محمدیه بیضاء، رکن دوم؛ رکن اصغر، نفس کل، علویه العليا. رکن سوم؛ رکن اخضur، خیال کل، مثال کل، عرش رحمن. رکن چهارم؛ رکن احمر، طبیعت کل، دهر ایسراسفل، عرش جسمانی.

در کن اول عقل یاروح نیز نامیده شده است، حکیم مؤسس سپس با تحلیل عرفانی حدیث عقل کافی مراد از استنطاق، اقبال و ادبار عقل را تشریح می کند و با تطبیق آن بر حقیقت محمدیه، رساله را با تفسیر عرفانی حدیث قدسی «کنت کنزاً مخفیاً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف» بدایان می برد.

### ۳- رساله تاریخ حکما

۱- کنت دو گوبینو (۱۸۱۶- ۱۸۸۲ میلادی) عالم و سیاستمدار فرانسوی در دوره ناصرالدین شاه قاجار دوبار به عنوان سفير کبیر فرانسه در ایران مأموریت یافت. وی در مدت اقامت خود در ایران با اصناف مختلف نشست و ترخاست کرده و از پسیاری از آنها استنادی بدست آورده است که پاره‌ای از آنها در «میراث گوبینو» در کتابخانه دانشگاه

استر اسپورگ فرانسه نگهداری می‌شود.<sup>۱</sup> کتاب معروف گفتار در روش دکارت تحت عنوان «حکمت ناصری» زیر نظر او به وسیله یک ایرانی بهوی به فارسی ترجمه و توسط وی به طبع رسید. معروفترین آثار گویندو در باره ایران عبارت است از: ۱- مذاهب و فلسفه‌های آسیای مرکزی (۱۸۶۵)، ۲- تاریخ ایرانیان بر طبق منابع و مأخذ ایرانی و یونانی و لاتینی (۱۸۶۹)، ۳- داستانهای آسیایی (۱۸۷۶) که اغلب داستانهای آن مربوط به ایران است.

فصل چهارم کتاب مذاهب و فلسفه‌های آسیای مرکزی<sup>۲</sup> درباره فلسفه و عرفان است، که در ضمن آن بیش از پنجاه تن از فلاسفه ایران به اختصار معرفی شده‌اند. از جمله آقاخانی مدرس به بهترین وجهی توصیف شده است که، متن کامل این معرفی را در مقدمه جلد اول این مجموعه ذکر کردیم، در ضمن شمردن آنرا آقاخانی متذکر می‌شود که مشغول تکارش تاریخ فلسفه است که پس از ملل و نحل شهرستانی مفصل‌ترین تاریخ فلسفه در نوع خود است. در ارتباط نزدیک و رفت و آمد گویندو به محض آقاخانی تردیدی نیست. اما این کتاب مفصل تاریخ فلسفه آقاخانی شاهزادی در دست نیست.

۲- مرحوم سید محمدعلی جمالزاده در مقاله‌ای به نام «میراث گویندو» که در مجله یغماًی سال ۱۳۴۰ ه.ش منتشر شده بوشه است: «صورت علمای روحانی ایران» یا «علمای بزرگ تشیع در قرون اخیر» یاد کرده، ترجیح دادیم، از این رساله با عنوان «رساله تاریخ حکما» یاد کنیم، چرا که حداقل از قرن هشتم تمامی حکماء جهان اسلام شیعه و روحانی بوده‌اند، وجود ممیز این رساله حکیم بودن این علماست ثابت و روحانی بودن یا تشیع ایشان.

۳- اگرچه مرحوم جمالزاده از این رساله به «صورت علمای روحانی ایران» یا «علمای بزرگ تشیع در قرون اخیر» یاد کرده، ترجیح دادیم، از این رساله با عنوان «رساله تاریخ حکما» یاد کنیم، چرا که حداقل از قرن هشتم تمامی حکماء جهان اسلام شیعه و روحانی بوده‌اند، وجود ممیز این رساله حکیم بودن این علم است ثابت و روحانی بودن یا تشیع ایشان.

۴- در بخش اول رساله تاریخ حکما احوال یازده تن از حکماء ایرانی به قلم آقاخانی به رشته تحریر در آمده است. این رساله به درخواست گویندو نوشته شده، اینکه چرا آقاخانی از میرسید شریف شروع کرده واضح است که فلاسفه ایرانی تا این رشد و خواجه نصیر الدین طوسی برای غریبان شناخته شده بودند، و سپر فلسفه اسلامی و ایرانی بعد از حمله مغول مورد نظر گشتند و گویندو بوده، لذا آقاخانی از حوزه شیراز آغاز کرده است، این یازده فیلسوف عبارتند از: میر سید شریف جرجانی و پسرش محمد، جلال الدین دوائی، میر صدر الدین دشتکی شیرازی، غیاث الدین منصور دشتکی

۱- پیشنهاد آنار و پادشاهی از در کتابخانه ملی شهر استر اسپورگ (وابسته به دانشگاه استر اسپورگ) امضا شده است. «فرهنگ فارسی نوین، ج ۶، ص ۱۶۷۷-۱۶۷۸».

2. "Les Religions et Les Philosophies dans l'Asie Centrale" Paris, 1865.

تألیفات و تصنیفاتشان سخن می‌راند همینکه نوبت بخودش می‌رسد. با یکدیبا فروتنی و خضوع که حقیقت انسان را متاثر و متواضع می‌سازد چنین می‌نویسد...، اماز مضامین استناد دیگر میراث گویندو بدست می‌آید که این شخص خود از افضل عهد و معروف بوده است به استاد الاستادی و حکیم الهی و موسوم بوده است به آقاخانی بن ملا عبد الله مدرس زنجی، او صاحب کتاب بدایع الحکم است که در سال ۱۳۱۴ قمری در طهران به طبع رسیده است. اینک صورت شماره ۶۸ (با همان اشاء و املائی که در متن اصلی آمده است)، «جمالزاده بعد از نقل کامل صورت شماره ۶۸ می‌نویسد: «این بود صورت شماره ۶۸ در پرونده میراث گویندو، صورت دیگر [شماره ۶۶] ان شاء الله در شماره دیگری از مجله یغما خواهد آمد». متأسفانه مرحوم جمالزاده صورت شماره ۶۶ میراث گویندو را منتشر نکرد. علی‌غم کوشش فراوان برای دستیابی به نسخه خطی (شماره ۶۶ و ۶۸ در میراث گویندو در کتابخانه دانشگاه استر اسپورگ) تاکنون موفق به درویت و دسترسی به این نسخه نشده، لذا به نقل آنچه مرحوم جمالزاده گزارش کرده آنکه امیم که در چاپ بعدی این تقدیمه جبران شود. ضمناً منبع فصل چهارم کتاب مذاهب و فلسفه‌های آسیای مرکزی همین رساله آقاخانی است.

۳- اگرچه مرحوم جمالزاده از این رساله به «صورت علمای روحانی ایران» یا «علمای بزرگ تشیع در قرون اخیر» یاد کرده، ترجیح دادیم، از این رساله با عنوان «رساله تاریخ حکما» یاد کنیم، چرا که حداقل از قرن هشتم تمامی حکماء جهان اسلام شیعه و روحانی بوده‌اند، وجود ممیز این رساله حکیم بودن این علم است ثابت و روحانی بودن یا تشیع ایشان.

۴- در بخش اول رساله تاریخ حکما احوال یازده تن از حکماء ایرانی به قلم آقاخانی به رشته تحریر در آمده است. این رساله به درخواست گویندو نوشته شده، اینکه چرا آقاخانی از میرسید شریف شروع کرده واضح است که فلاسفه ایرانی تا این رشد و خواجه نصیر الدین طوسی برای غریبان شناخته شده بودند، و سپر فلسفه اسلامی و ایرانی بعد از حمله مغول مورد نظر گشتند و گویندو بوده، لذا آقاخانی از حوزه شیراز آغاز کرده است، این یازده فیلسوف عبارتند از: میر سید شریف جرجانی و پسرش محمد، جلال الدین دوائی، میر صدر الدین دشتکی شیرازی، غیاث الدین منصور دشتکی

شیرازی، شمس الدین محمد خفری، شاه میر طاهر حسینی، میر فندرسکی، میر داماد، شیخ بهایی و بالاخره صدر المتألهین شیرازی. با ترجمه مختصر و متواضعانه خود آقاعلی، مجموعاً دوازده فیلسوف معرفی شده‌اند.

۵- ظاهر این بخش دوم رساله تاریخ حکما از ملاصدرا آقاعلی لرزشمندتر از بخش اول آن است. در بخش اول آقاعلی به کلیات و اموری که در کتب رایج تراجم درباره این بارده تن است اکتفا کرده، شاید تنها بکته بدبیع این بخش از رساله *جمله اخیر ترجمه غیاث الدین منصور* است که «در پیست و چهار مسئله پاسایر حکما مخالف است» ای کاش آقاعلی به این مسائل ابتكاری اشاره می‌کرد. ضمناً ذکر شیخ بهایی در عداد نام حکما قابل تأمل است. این علامه ذوالفنون در حکمت کابی تنوشت است، خود آقاعلی در ضمن بیان احوال ملاصدرا از قول میر فندرسکی درباره‌ی گفته است: «اگر قشر مخصوص می‌خواهی شیخ بهایی»، ترجمه ملاصدرا در این رساله با تقریظ آقاعلی بر مفاتیح الغیب موارد مشترک فراوان دارد.

۶- کوشیدیم در پاورقی این رساله اطلاعات لازم درباره دوازده حکیم مورد بحث را از منابع معتبر لرائه کنیم.

#### ۴- رساله سرگذشت.

آقاعلی در رساله مختصری به زبان فارسی ترجمه احوال خود و پدرش ملاعبدالله مدرس ذنوی را به رشتة تحریر درآورده است. این رساله مهمترین سند احوال این دو حکیم بزرگوار و حاری اطلاعاتی منحصر بهفرد در این زمینه است. در نسخ بجا مانده از این رساله عنوان خاصی برای آن پیش‌بینی نشده بود، لذا عنوان «رساله سرگذشت» را برای آن انتخاب کردیم. حکیم مؤسی در این رساله نه همه آثار خود را بر شمرده، نه به همه آثار پدرش اشاره کرده است. ما در پاورقی رساله، اطلاعات موجود در آن را تکمیل کردیم. در این رساله آقاعلی تنها نام پنج اثر خود را ذکر کرده یعنی یک ششم کل آثار، که یکی از آنها (رساله در اینکه متعلق از علوم حکمیه است) که تاکنون نشانی از آن نیافتدۀ ایم. با عنایت به ذکر بدایع الحکم در این رساله، تاریخ نگارش رساله

سرگذشت می‌باشد بین پنجم چهارمی‌الاولی و هفدهم ذی قعده ۱۳۰۷ آخرین سال حیات حکیم مؤسی باشد.

نسخه خطی رساله سرگذشت تاکنون بدست پیامده است، اما مرحوم نایب‌الصدر شیرازی معصوم علی شاه از شاگرد آقاعلی در تذکره طرائق الحقائق برای تحسین بار این رساله را منتشر نمود. طرائق الحقائق در سال ۱۳۱۹ هـ ق در تهران چاپ سنگی شد و در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی چاپ حروفی شده است، در ضمن احوال آقاعلی مدرس نوشته است: «ورقه به خط شریف از کتاب خانه‌ی ای این بدبیع آمد که ترجمه‌ی خود و والدش را نگاشته بود».

دومین نسخه آن را استاد سید جلال الدین آشتیانی در مقدمه لمعات الهیه (مشهد، ۱۳۵۲ ش) و مقدمه انوار جلیلی (مشهد، ۱۳۵۴) ملاعبدالله مدرس ذنوی چنین توصیف کرده است: «استنساخ شده از نسخه حکیم مؤسی توسط یکی از شاگردان وی ظاهر آقا شیخ غلامعلی شیرازی، ناسخ تصریح کرده است این مختصراً روی نوشته استاد مؤسی» آقاعلی مدرس ادام الله، بر کاته نقل کردم.»

#### ۵- مقدمه کشف الاسرار فی شرح الاسرار الآیات

«اسرار الآیات و انوار البینات»<sup>۱</sup> از جمله آثار گرانبهای صدر المتألهین شیرازی است. «این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و دو مشهد است، ملاصدرا این کتاب را به روش فلسفی و عرفانی نوشته است، او ایل این کتاب مشتمل است بر تقریر معانی ایمان و کفر و موجبات رحمت و عذاب. سپس در بیان حقائق مبده و معاده کتاب الهی و سنت نبوی و ولی استدلال با استشهادی تمايد و مبده مکافثات او آیات الهیه است بطور اجمالی ولی با بیانی عالی و رسایا و جوهر فرق بین کلام و کتاب را بیان نموده است و علت اشتمال کتاب تدوینی بر مراتب و مقامات تکوین و نظام وجود و سر جامیعت قرآن نسبت به جمع کتب الهیه را تقریر نموده و بعد پرداخته است به تحقیق ذر مراتب و مقامات توحید به لسان اهل

<sup>۱</sup> چاپ سنگی، تهران، ۱۳۱۹ هـ ق، چاپ حروفی با تصحیح محمد خواجه‌ی، تهران، ۱۳۶۲ هـ ش.

شهود و کشف، معرفت صفات و اسماء و اعیان الهیه و مراتب و مقامات نهایات وجود از صراط و درجات صعود و ارتقاء به حق و مراتب و مقامات انسان بحسب معاد و تهای و وجود الى فناه فى الله با بهترین وجهی به دولسان، اسان کشف و لسان برhan تقریر شده است، از این کتاب احاطه و انفصال صدرالملائکین به آثار عرفان و علوم کشفیه و تفرداً در بحث از حقائق آشکار است.<sup>۱</sup> حکیم الهی ملاعلی نوری بر این کتاب شریف حاشیه نوشته است. حکیم مؤسّس آقاعلی مدرس طهرانی در اوج پختگی و تبعّر در حکمت متعالیه تصمیم به شرح فارسی اسرار الآیات می‌گیرد و آنرا «کشف الاسرار»<sup>۲</sup> می‌نامد. متاسفانه اجل مهلت نمی‌دهد و از کشف الاسرار تنها مقدمه‌اش به رشتۀ تحریر در می‌آید. این مقدمه را می‌توان آخرین مکتوب آقاعلی دانست که قاعدتاً در ذیقعده ۱۳۰۷ هـ.ق. نگاشته شده است. در صورتیکه آقاعلی به اتمام کشف الاسرار توفیق می‌یافتد، این کتاب از جهات عدیده‌ای قابل عنایت بود، یکی اینکه آقاعلی در مباحث عرفانی کمتر قلمزده است و آنچه از او باقی است غالباً فلسفی و به شیوهٔ برهانی است. شرح اسرار الآیات جو لالگاه خوبی برای ورود این حکیم متاله در حوزهٔ عرفان بود. دیگر اینکه چنین کتابی در زمانی نگارش می‌یافتد که بیش از هفتاد سال از عمر پرپر کت آقاعلی گذشته بود و با اینبوهی تجربهٔ حکمی اثری کم نظیر در حکمت الهی متولد می‌شد. سوم آنکه، همچون بدایع این کتاب به زبان فارسی نگارش می‌یافتد و بر غایی حکمی عرفانی این زبان می‌افزود. به هر حال با کمال افسوس این کتاب از مقدمه فراتر نرفت، و قبل از شرح اصل کتاب روح شارح به ملکوت اعلیٰ پرواز کرد.

نسخهٔ منحصر بفرد مقدمه کشف الاسرار به خط آقاعلی نزد نوءهٔ لویسنده (دختر مرحوم آفاحسن شرف‌الملک) نگهداری می‌شود.<sup>۲</sup> این مقدمه هفت صفحه است، و برخلاف دیگر آثار آقاعلی، خط خود را گی فراوان دارد، این خط خود را گی هاناشی از کسالت شدید حکیم مؤسّس است که منجر به وفات او می‌شود.

۱. سید جلال الدین آشتیانی، «قدمة المسائل القدسية، درسائل فلسفی صدرالملائکین، صفحه ۴۷».

۲. از آقای سهلعلی مددی که عکسی از این نسخه را در اختیار نگارنده، گذاشتند صمیمان سیاسکرل.

مقدمه کشف الاسرار شامل سه قسم است. قسمت اول خطبه‌ای فاخر به زبان عربی در تنزیه و تقدیس خداوند و تحيیت و سلام بر خاتم الانبیاء (ص)، خاتم الاصناف (ع) و عترت طاهره علیهم السلام که آکنده از تلمیحات قرآنی و روایتی مقتبس از ادعیهٔ مأثوره است، و با خطبهٔ بدایع الحكم قابل مقایسه می‌باشد.

قسمت دوم این مقدمه که بیش از نیمی از آن را بیشتر شامل می‌شود، تعریف و تمجید ناصرالدین شاه، قاجار است که ظاهر آن کتاب به درخواست او آغاز شده است. این بخش از مقدمه نیز شبیه همین قسمت از مقدمه بدایع الحكم است. هردو مقدمه‌ها کی از حسن نیت این حکیم پاک نهاده به سلطان وقت و به سبک ادبیات عصر قاجاری متکلفانه و حاری مدهای مبالغه‌آمیز و تعریفهای دور از واقع است، که ای کاش شارح فاضل بالاقناده ماتن عارف قلم را از لغزیدن در این وادی ناصواب حفظ می‌گرد. به هر حال این قسمت از مقدمه سندی تاریخی از فرهنگ عصر ناصری است، و از انتهای همین قسمت بر می‌آید که ناصرالدین شاه مجالس علمی ترتیب می‌داده و به حال علماء التفات داشته است.

اما مهمترین قسمت این مقدمه، قسمت سوم و در حقیقت قسمت اخیر آن است، که حاوی نکات ارزش‌نده‌ای است اولاً: حاکی از گرایش عرفانی و روح طیف نویسنده است که در قالب گفت و گویی شنیدنی باهافت غیبی به رشتۀ تحریر در آمده است. این قسمت نچه به لحاظ ادبی و چه به لحاظ محتوا ابیض از خشن است و در زمرة شیواترین قطعات به جامانده از حکیم مؤسّس است: «هاتف غیبی بد نفعه داری و طائر قدسی بد توانی عنده‌لیبی به گوش هوشم خوانندگی آغاز نمود که هان ای خردمند تاکی در زاویهٔ خمول نشسته، جواهر معارف و لئالی حقائق را در گنجینهٔ خاطر مستور داشته... به جلوهٔ عیان آور آنچه را که مدتها در مخزن ضمیر مستور ساخته‌ای و به محضر شهود آور آنچه را که ساله‌دار مکمن خاطر مخفی داشته‌ای تا در نظر اهل بصیرت بخلوه گری نماید و دلهای صاحبان معرفت و حکمت را منور و روشن گردداند».

ثانیاً: آقاعلی در این نوشته کوتاه از دو تابعیه بسیار آزرده است تا آنچا که «مکنون خاطر خود را بیش فراموش کرده» یکی (به) جهت کثیر هجوم امراض و اسقام و شدت درد و اوجاع و آلام، که میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب روزنامهٔ خاطرات به این درد

جانبکاه و اپسین روزهای حیات آقاعلی اشاره کرده است. و دیگری «وفور سایر سانحات و واردات ایام» که متأسفانه حکیم مؤسس به شرح آن نبرداخته و قاعدتاً باید از سنخ نگاریهای صدرالمتألهین در مقدمه اسفلار باشد.

**ثالثاً: صدرالمتألهین در چشم و دل حکیم مؤسس** بثایت عظیم است، این ارادت را قوی تراز همه جا در تقریظ مفائق الغیب سپس در رساله تاریخ حکما، در مرتبه بعدی در این مقدمه و در سراسر آثارش آنجا که می خواهد عبارتی را از این حکیم طراز اول عالم اسلام نقل کند ابراز کرده است.

**رابعاً: وی به اجمال کتاب اسرار الایات رانیز معرفی کرده است.** «کتابی مشتمل بر امهات علوم الهیه و معارف حقیقیه و اصول اخلاق فاضل، و فضائل نفسانیه و سایر مطالب حکمیه.»

**خامساً: تواضع فراوان استادالاساتید** که در انتهای رساله تاریخ حکما رانیز قابل مشاهده است، او اسرار الایات را آفتاب و دریا و خود را در برابر آن ذره و قطره دانسته به نقشان استعداد متمهم کرده است، اما آخرین سطور این مقدمه که آخرین مکتوب حکیم مؤسس است حکایت از حال خوش آقاعلی در مرض موت دارد، سخن از هام غیبی و استشمام رایحه توفیق و امید به الطاف الهی و امداد از مخزن علوم ریانی است، اگرچه کشف اسرار نوشته نشد، اما این حکیم متله بالامرگ خود عملاً اسرار الایات را کشف کرد، در حقیقت او کشف اسرار را پاوفات خود نوشته، نوشته‌ای که مطالعه‌اش بصیرت و تهذیب و سلوک می‌طلبد، سلام علیه یوم ولدویوم موت و یوم بیعت حیا، «مقدمه کشف اسرار فی شرح اسرار الایات» برای نخستین بار در این مجموعه توفیق نشر می‌باید.

#### ۷- تقریظ رساله ایضاح الادب

محمد علی مدعوبه صدرالاफاظ دانش تبریزی از شاگردان وفادار آقاعلی و از ادباء شعرای اواخر قرن سیزدهم و نیمة اول قرن چهاردهم است. وی دو قصیده غرادر رثای استاد خود آقاعلی سروده است. آقاعلی بر رساله ایضاح الادب صدرالاپاظ تقریظی نوشته که در ضمن گزارش نظم و نثر دانش تبریزی در کتاب نامه فرنگیگان عبرت نایبی درج شده است. چاپ عکسی کتاب نامه فرنگیگان در سال ۱۳۷۶ در تهران منتشر شده است. قلم آقاعلی در این تقریظ فاخر و ادبیانه و نمونه‌ای از نثر آغاز قرن چهاردهم است. رساله ایضاح الادب در سال ۱۳۰۱ منتشر شده است. لذا تاریخ کتابت تقریظ نیز می‌باید ۱۳۰۱ یا ۱۳۰۰ بوده باشد.

#### ۸- بقايا اصول الحكم في شرح التولوجيا

۱- فلوطین حکیم بزرگ تو افلاطونی اسکندرانی در قرن سوم میلادی کتابی نوشته است بنام تاسوعات یا ائمادها. در قرن سوم هجری منتخبی از یکی از شروح این

#### ۸- تقریظ علی مفائق الغیب

در زمان نخستین چاپ سنگی کتاب مفائق الغیب صدرالمتألهین، از آقاعلی مدرس در خواسته می‌شود تقریظی بر این کتاب شریف بنویسد، آقاعلی با عباراتی فاخر کتاب و نویسنده را توصیف می‌کند. به نظر حکیم مؤسس آنها که به درک مضامین بلند این کتاب

کتاب بنام اثولوچیا توسط ابن ناعمه حمصی و زیر نظر کنده تختین فیلسف مسلمان از سریانی به عربی ترجمه می شود. این کتاب که در میان مسلمانان بنام ارسسطو شهرت می یابد، نافذترین کتاب در فلسفه اسلامی به حساب می آید و باعث می شود سیماپی نادرست از ارسسطو در ذهن حکیمان مسلمان تصویر شود، اثولوچیا از آغاز مورد عنایت حکیمان مسلمان قرار گرفته است. قدیمترین شرح اثولوچیا، شرح شیخ الرئیس ابن سینا در ضمن کتاب عظیم الانصار وی است که قطعات باقیمانده آن در کتاب ارسسطو عندالرحم بن عبد الرحمن بدلوی (بیروت، ۱۹۴۷) منتشر شده است. قاضی سعید قمی نیز بر اثولوچیا تعلیقه نوشته است.

۲. آقای مدرس در ضمن دو اثر خود یعنی رسالتی در مباحث العمل و تعلیقات علی شرح الهدایة الائیریة ملا صدر از دیگر کتاب خود تحت عنوان «شرح حنا اثولوچیا الموسوم باصول الحكم» پنج عبارت نقل کرده است. در تفحص از این کتاب مهم چیزی تباقیم که در مجموعه های کتابشناسی از آن یاد شده بود، له در فهارس نسخ خطی ایران بلکه جهان، اما با توجه به اینکه بیش از نیمی از نسخ موجود خطی اسلامی فهرست نشده است، امیدوارم این کتاب کم نظیر در عداد نسخ فهرست نشده در خزانه کتب خطی باقیمانده باشد. به هر حال پنج قطعه منقول از این اثر شریف در کنار هم به عنوان «باقیا اصول الحكم فی شرح اثولوچیا» گردآورده ام. در هر قطعه، آن مقدار عبارت نقل کرده ام که بقین حاصل شده باشد که عبارات منقول از اصول الحكم حتماً گزارش شده است.

#### ۳. بقایای اشعار و غزلیات

آقای مدرس رسالت خود نوشته سرگذشت تصریح کرده که «گاهی هم غزلیات گفته است» سپس نویس از آن را ذکر کرده، سید احمد دیوان بیگی در تذکرۀ خدیجه الشعرا م برخی غزلیات اور انقل از آن را ذکر کرده، معصوم علی شاه نایب الصدر شیرازی شاگرد آقای مدرس در تذکرۀ طرانق الحقائق چندرباعی را که از خود آقای شنیده گزارش کرده است. بالاخره سلطان الفلاسفه در حاشیه اسفرار ملکی خود و سید ابوالحسن رفیعی قزوینی در حاشیه منظومه سبزواری ملکی خود در بیت دیگر از حکیم مؤسس نقل کرده اند، در مجموع

۹ رباعی (۱۸ بیت) از اشعار علی را بدست آوردیم که به عنوان بقاوی اشعار وی در این مجموعه منتشر می کنیم. این ۱۸ بیت قبل از مطلع دکتر مصطفی محقق داماد در مجله نامه فرهنگستان علوم (شماره ۴ ص ۱۳۷، تابستان ۱۳۷۵) منتشر شده است، لازم به ذکر است اشعار آقای اعلی آنچنانکه در مقدمه جلد اول همین مجموعه گذشت تقطیع بیش از این مقدار بوده، مشخص نیست چرا به زمان مانرسیده است. آیا توسط خود آقای اعلی معلوم شده است؟ یا اینکه در ضمن نسخ خطی فهرست نشده از دیده هامخفی مانده یاد را داده ای از بین رفته است؟ والله عالم. تأمل در ایات باقیمانده نشان می دهد که طبع لطیف آقای اعلی متوجل در معانی متعالی عرفانی بوده، به صنایع لفظی و ادبی چندان التفاتی نداشته است.

#### ۴. تعلیقات علی رسالت القواعد الفقهیة

میرزا حسن آشتیانی (۱۲۱۹-۱۲۴۸ هـ.ق) شاگرد طراز اول شیخ انصاری و صاحب بحر الفوائد فی شرح الفرائد، رسالتی در قواعد فقهیه و فوائد اصولیه به سبک و سیاق العناوین میرعبدالفتاح حسینی مراغی به رشتہ تحریر در آورده است، قواعد و اصولی که در این رسالت موربد بحث قرار گرفته اند عبارتند از: ۱- اصل فی اشتراك التكليف .۲- اصل فی حکم المکلف الخارج عن العادة، ۳- اصل فی تأخیر الحادث، ۴- اصل فی العدول والانقلاب و الكشف والنقل، ۵- اصل فی قاعدة الفراغ والتجرؤز، ۶- فی تحقیق قولهم الاحکام تتبع الاسماء، ۷- اصل اتّهاد التداخل، متأسفة اه نسخه بجا مانده از این رسالت تمام است و بعد از صفحه ۲۷ این رسالت بخشی از بحر الفوائد فی شرح الفرائد استنساخ شده است. این رسالت در زمان حیات شیخ انصاری یعنی قبل از ۱۲۸۱ به رشتہ تحریر در آمدۀ است، چرا که در نقل قول از شیخ، از او به الاستاد دام ظله یا شیخنا الانصاری دام ظله یاد می کند. رسالت فاقد نام است، عنوان «رسالت فی القواعد الفقهیة» را با توجه به مفاد آن برایش برگزیدیم. اگرچه در آغاز و انجام این رسالت نام میرزا حسن آشتیانی ذکر نشده، اما عباراتی از قبیل «وزیر ادالۃ التحقیق والفروع تطلب من تعلیقاتنا علی رسالت شیخنا دام ظله» و سازگاری مطالب آن با بحر الفوائد انتساب آنرا به میرزا آشتیانی قطعی می سازد.

آقای مدرس رسائل شیخ را بعد از ۱۲۸۵ خدمت میرزا حسن آشتیانی تلمذ کرده،

آنچنانکه میرزا آشتیانی نیز به فراگیری شرح الہادیۃ الائیریۃ ملاصدراً زدی اشتغال داشته است<sup>۱</sup>، آقایی که در کنار تدریس معقول به تدریس فقه استدلالی نیز اشتغال داشته در تعلیقات الشوادر البویۃ در دو مورد به آرای اصولی خود اشاره کرده است، یکی در تعلیقۀ شماره ۱۰ «وَمِنْ هَنَا ظَاهِرٌ مَا اخْتَرْنَاهُ مِنْ جُوازِ اجْتِمَاعِ الْأَمْرِ وَالنَّهِيِّ» و دیگری در حاشیة تعلیقۀ شماره ۲۰ «وَمِنْ هَنَا يَظْهَرُ بِطْلَانُ مَذَهَبِ صَاحِبِ الْعَالَمِ قَدِيسٌ سَرِهِ فِي الْمُشْتَرِكِ إِذَا أَخْذَ قِيدَ الْوَحْدَةِ وَجَعَلَهُ بِشَرْطِ شَيْءٍ...» به هر حال تنها اثر بجا مانده از آقایی در منقول تعلیقۀ بررسالۃ فوق الذکر میرزا حسن آشتیانی است، آقایی مضامین این رساله را خدمت میرزا آشتیانی تلمذ کرده است، در نخستین تعلیقۀ «هَذِهِ اسْمَاعُتْ مِنْهُ دَامَ ظَلَّهُ» به چشم می‌خورد، این تعلیقات ۹۶ مورد و اکثر آنها مختصرند، لسخنۀ اصلی این تعلیقات به خط آقایی تزدئۀ ایشان است، واضح است که تبحر و پژوه آقایی در فقه و اصول نیست، اما تأمل در همین تعلیقات مختصر نشان می‌دهد که در این وادی نیز مطلع است، از آنجا که «رسالۃ القواعد الفقیۃ» میرزا حسن آشتیانی تاکنون منتشر نشده است، متن آنرا در صدر و تعلیقات آقایی را در ذیل درج کردیم.

#### ۱۱- تقریرات المبدع و المعاد

المبدع و المعاد نخستین نگارش‌های فلسفی صدرالمتألهین شیرازی است، حکیم مؤسس این کتاب را در حوزۀ علمیۀ تهران تدریس کرده است، تقریر این دروس در ضمن «قوله کذا» گاهی به عربی و زمانی به فارسی توسط یکی از شاگردان وی به رشتۀ تحریر در آمده است، نگارش عربی مقرر متوسط نگارش فارسی وی ضعیف است، خط سخن بد و گاهی تاخواناست، این تقریرات توسط مقرر بازبینی شده و در موارد متعددی حواشی به آن نوشته شده یا افتادگی‌های متن در حاشیه جبران شده است، در برخی موارد احساس می‌شود که محتوای فلسفی مطلب درست تلقی با گوشش نشده است، به هر حال تقریرات المبدع و المعاد نیازمند ویرایش ادبی و لاز آن مهمتر محتاج ویرایش علمی است، امار عایت امامت چنین

۱. سید جلال الدین آشتیانی، مقدمه الشوادر البویۃ.

۲. از آنای سیدابراهیم اشکشیرین که عکس این سخن را اختیار گذاشتند صعیمانه سیاسگرلم.

اجازه‌ای را به نگارنده نداده است و جز اصلاح بعضی از اغلاط فاحش ادبی تصرفی در تقریرات نکردم، در نظر داشتم که برخی کاستی‌های علمی مقرر را در پاورقی مذکور شوم، قسمتی از این مهم انجام شد، اما به دوجه از تکمیل و درج این حواشی صرف نظر شد، یکی اینکه در یافتم که حاصل کار کتابی مستقل است و در حاشیه صفحات محلود این مجلد نمی‌گجد، دیگر آنکه انتشار این مجلد و در تبیه انتشار تمام مجموعه را به تأخیر می‌اندازد، امیدوارم در کتاب مستقل تحلیل انتقادی آراء ابتکاری حکیم مؤسس آقایی مدرس طهرانی که بعد از انتشار این مجموعه به امید خدمتشر خواهد شد، به امهات این مناقشات علمی اشاره کنم، علیرغم بعضی تواتص، در این تقریرات مطالب بکرو ارزشمند هم کم نیست، به هر حال ارزش علمی این تقریرات مقول به تشکیک است، لز عبارات و اشاراتی در سطح بدایع تأثیر ضیحات کم ارزش و پیش بالافتاده، متأسفانه آغاز و انجام این تقریرات ساقط شده لذاته نام مقرر مشخص است، نه زمان القای دروس و ندوت کتابت تقریر، این تقریرات قسمت اعظم فن اول (فی الربویات) را دربر می‌گیرد، از قن دوم (فی المعاد) چیزی به جانمایه است، این تقریرات در قالب ۶۴۴ تعلیقه از فصل چهارم مقاله‌ای اولی تا نفصل شانزدهم مقاله‌سوم را دربر می‌گیرد (مطالب مربوط به صفحه ۳۰ تا ۷۰۷ المبدع و المعاد چاپی).

#### مسائل مورد بحث در تقریرات

در این تقریرات مسائل زیر از الهیات بالمعنى الاخص مورد بحث قرار گرفته است؛ ۱- اینکه ایت واجب ماهیت اوست، ۲- کند واجب تعالی برای بشر غیر معلوم است، ۳- بساطت واجب تعالی، ۴- واجب الوجود فاقد فصل است، ۵- نفی کثرت عدده از واجب تعالی، ۶- واجب الوجود نمی تواند حقیقت نوعیه باشد، ۷- نفی شریک از واجب الوجود، ۸- خداوند عالم واحد است و در ایجاد شریکی ندارد، ۹- واجب است که صفات خداوند تعالی عین ذات او باشد، ۱۰- علم خداوند به ذاتش، ۱۱- علم خداوند به ماسوای ذات، ۱۲- ایت هاج ذاتی خداوند، ۱۳- محبت خداوند به خلق، ۱۴- افعال خداوند تعالی، ۱۵- بحث در ایسام سفلیه عنصریه، ۱۶- انقطاع ابعاد و انتهاء اجرام، ۱۷- بیان محدد البهات، ۱۸- سبب حدوث حرکه، ۱۹- آسمان حیوان است، ۲۰- آسمان انسان کبیر است، ۲۱- محرک آسمان

نمی تواند عقل مخصوص باشد، ۲۲- در حرکت آسمان محرك مفارق لازم است، ۲۳- افبات کثرت عقول، ۲۴- چگونگی تحریک اجرام فلکیه توسط عقول مجرد، ۲۵- کیفیة صدور اشیاء از مدبر اول، ۲۶- چگونگی تکون عناصراًز عقل فعل، ۲۷- در عنایت و تدبیر، ۲۸- مبدء تدبیر کائنات ارضیه، ۲۹- رحوة تسلط شیطان بر باطن انسان باوسوسه، ۳۰- اشاره به آثار عنایت و حکمت و عدل خداوند.

این تقریرات سومین رساله مجموعه خطی شماره ۵۵۸۸ کتابخانه مر حوم آیت الله مرعشی نجفی ورق ۱۸ نام ۹۴ است.<sup>۱</sup> تهاب جایی که در این تقریرات از آقایی به عنوان استاد یاد شده حاشیه تعلیق ۴۶۲ است. در متن این تقریرات به کرات از استاد سلمه الله، استاد دام مجد، استاد شکر سعیه نقل شده که ظاهر آمراد یکی از اساتید آقایی از قبیل ملا آقای قزوینی است. مواردی نیز از ملا علی نوری، و میرزا حسن نوری در تأیید یا نقد مطلب نقل کرده است. حواشی تقریرات ظاهر آزاد مقرر است. موارد ناخوانای متن را باعلامت (...) مشخص کرده ایم.

#### ۱۲- رساله مختصر وحدت وجود

۱- لسخه منحصر به فرد خطی این رساله مختصر ورق ۱۴۲ و ۱۴۳ مجموعه خطی شماره ۵۵۸۸ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم (آخرین رساله مجموعه) است. نام کاتب و تاریخ کتابت آن نامشخص است.

۲- نام رساله در نسخه خطی تبیین نشده است. در دیگر آثار آقایی و مجموعه های کتابشناسی نیز از آن یاد نشده است. با توجه به مفاد آن، نام رساله وحدت وجود را بر این استعداد قابل است.

۱- سید احمد حبینی در فهرست این های خطی کتابخانه عمومی آیت الله العظیمی نجفی مرعشی ج ۱۴ من ۳۵۳ در معرفی این اثر نوشتند است: «حاشیة المهد و المعاد، حاشیه ای استدلای است بر رساله المهد و المعاد ملا صدر شیرازی، این حاشیه منفصل و باردو ابراد بسیار و بعضی قلمه مابه فارسی نوشته شده و سخن ناتمام است. این دو حاشیه (حاشیة الشوادر الربوبیه و حاشیة المهد و المعاد) را روی جلد کاتب این سخن از تقریرات زیارتی معرفی کرده و بدین چهت از نوشتند های دیگری من بانشد». لازم به ذکر است با توجه به این رفتئن چنان سخن در چند جلد در چریان مرقت کتاب واستولیه متن حاشیة الشوادر بخلاف حاشیه حاضر و غلط از تذکر فهرست فوق، حاشیة الشوادر از جلد دوم مجموعه مصنفات حکم مؤسسه به عنوان «تألیفات الشوادر الربوبیه» از آثار خانم آقایی به سباب آورده ایم.

برگزیدیم. این رساله تاکنون منتشر نشده است.

۳- وجه انتساب آن به آقایی به دلیل ذیل است:

اولاً در مجموعه ای آمده است که اکثر رسائل آن قطعاً اطمینانآمتعلق به آقایی مدرس است.

ثانیاً: رأی مختار آن با مختار آقایی در مسئله وحدت وجود در بداع الحکم و تعلیقات اسفار و دیگر آثار حکم مؤسس سازگار است.

۴- اکثر رساله فارسی و عبارت آخر آن عربی است.

۵- سبک و سیاق نگارش این رساله مختصر به قوت دیگر مکتبات آقایی نیست. با مورد ویرایش مصنف واقع نشده و یا از تقریرات دروس اول است که به قلم شاگردانش به رشته تحریر در آمده است. احتمال دوم را القوی داشته این رساله را در زمرة تقریرات آقایی به حساب آورده ایم، هر چند نام مقرر و تاریخ کتابت نیز نامشخص است.

۶- رساله در مقایسه مدعای حکما بر بحث وحدت وجود و قول صوفیه در این باب پس از تقریر نظر آهای است. به نظر حکما واجب الوجود همان وجود بشرط لا از تعینات است، حال آنکه به نظر صوفیه حقیقت وجود لا بشرط از تعین و لاتعین است. تقریر کلام صوفیه چنین است: وجود بلکه موجود یکی است. تکثرات توهم ماست، نه اینکه در واقع تکثری باشد. اگر این تعینات موهومه از ابرداشته شود، همان خواهد بود، این تکثرات همه مظاهر ایست. همه اشیاء را به یک تجلی موجود نمود، لکن عدم ظهور به جهت عدم استعداد قابل است.

آنچه نسبت به ملاصدرا داده شده این است که او ممکنات را قبیل ظل و واجب الوجود را ذی ظل می داند، ظل از خود وجود علیحده ندارد بلکه حیثیت ذاتش تبعیت و ارتباط به ذی ظل است. رساله بدون نتیجه گیری به پایان می رسد، ظاهراً رساله ناقص است. تفصیل بحث وحدت وجود آقایی در بداع الحکم تحت عنوان تتفیح کفر و ایمان آورده است.

۷- خلاصه نظر آقایی در باب وحدت وجود به این قرار است: «آنچه به بعضی منسوبین به کشف و عرفان نسبت دهنده که حقیقت حق تعالی و جردن لا بشرط بود و ساری

در اشیاء و جمله اشیاء به آن وجود موجود باشد بدنه‌جی که آثار مطلوبه آنها برایشان مترب شود، و کترتی باشد مگر کثرت ماهویه، و مفهوم وجود را یک مصدق بیش نباشد و اواحی وجود باشد، و جمله وجودات با او متحد باشد، پس کترتی وجودیه نباشد، لکن آن وجود را به حسب مظاهر و مرانی، کثرت متحقّق باشد. پس صرف حقیقت وجود که حکما اور اواجب الوجود داشته، مقامی از مقامات ظهور او باشد و مرتبه‌ای از مرتب شون او.

اگر این نسبت به منسوبین کشف و عرقان صحیح باشد، بر همان عقلی بر حسب قواعد علم حکمت الهیه مکذب این سخن باشد. و اگر از روی کشف و عیان گویند، آیات و اخبار خاندان عصمت صریح بر بطلان این قول و تنزه ذات حق از سریان در اشیاء و تقدس او از سمات امکان، و کثرت وجود بوجه حقیقت است.

مگر اینکه مرادشان این باشد که مارادر مقامات توحید مقامی باشد که غیر حق، از نظر شهود قلبی وبصیرت روحی ماملغی بود و در حال شهود در دیده قلب با بصیرت روح ما، جز حق بر مظاهر آیات و مرانی ظهورات و مجالی تجلیات مشاهد باشد.

لکن این سخن غیر آن باشد که کترتی در واقع در وجود نباشد، بلکه چون مظاهر و مرانی قائلند و مظہر و مرآت جز وجود نبود، پس معرفت باشند به کثرت وجود. و از اینجا ظاهر می‌شود که این اجله و اعلام از شهود قلبی و بصیرت روحی خود خبر داده اند و سالک عارف را در مقامات سلوک، حالاتی بود که آن حالات را داندند مگر آن کس که سالک باشد. و از آنجا که علم تصوف از قلب انسان کامل به آن جهت که مجلای اسماء و صفات و افعال و آثار حق بود، یا از اسماء و صفات و افعال و آثار به آن جهت که در مرائب قلب انسان کامل ظاهر و مشهود شود بحث می‌کند، هر یک از این دو صالح باشد از برای موضوعیت آن علم و جهت پژوهش بدن چنان می‌نماید که در توجیه مذکور که به خاطر نگارنده حروف رسیده، وجید باشد و این نگارنده تاکنون للدیده و نشنیده‌ام که کسی تصریح کرده باشد به اینکه وجود و موجود، یک وجود و موجود باشد و جز از وجودی و موجودی نباشد و اوزات واجب الوجود بود، بنهجهی که قابل توجیه و جیهی نباشد. لهذا مطلبی بدیهی البطلان را که به اندک تأملی معلوم شود که منافقی لرسال رسیل و تکالیف الهیه بود، به کسانی که در ظاهر به وظائف شرع قیام داشته باشند و به قدر امکان مواظب اتیان مستحبات و ترک مکروهات

بودند و به تکلیفات الهی و اوامر و نواهی و ثواب و عقاب قائل باشند، نسبت دادن و به مجرد شنیدن از افواه رجال بر آنها تشنج کردن با عدم اطلاع بر زبان و اصطلاح آنها، بالای از عدم مبالغات در دین و تجری نباشد.»<sup>۱</sup>

### ۱۳) رسالت فوائد

۱- در صفحه ۱۷ نسخه خطی شماره ۵۵۸۸ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم مطالعی آمده که فاقد عنوان، نام کاتب و تاریخ کتابت است. به اعتبار اینکه اکثر رسائل این مجموعه قطعاً باطمینان از آن آقایانی است، این رسالت مختصر فارسی را ایز از آثار منسوب به حکیم مؤسس<sup>۲</sup> به حساب آوردیم و نام «رسالت فوائد» را برای آن انتخاب کردیم.

۲- این رسالت شامل سه فاصله است. فاصله اول در بیان تفاوت بین برزخ شرع و برزخ وجود، و آخرت شرع و آخرت وجود. در اثنای این فاصله آمده است «آخرت شرع عبارت است از اینکه همین نفس دو مرتبه برگزدیده همین بدی که در دنیا داشت و این معاد جسمانی است و ترقیات او در همان یden است»<sup>۳</sup> می‌دانیم که رأی ابتکاری آقایانی در معاد جسمانی این است که بدن تحت تدبیر نفس به مرتبه نفس ارتقاء پیدامی کند، نه اینکه نفس تنزل به مرتبه بدن کند. بنابر این ظاهر این فاصله بار آی مختارهایی حکیم مؤسس سازگار نیست، لذا یاد این رسالت در مقام نقل قول مشهور است نه بیان رأی خود، یا اینکه تاریخ نگارش این رسالت قبل از قائل شدن بدرا رأی ابتکاری در سپیل الرشاد است.

فاصله دوم، بحث مختصراً است در مفاد آیه شریقه «ان اعرضاً الامانة على السموات والارض» در اینکه اگر مراد از سموات «عقل» باشد به محل می‌اجماد، چرا که عدم تطابق بین قوس صعود و قوس نزول بیش می‌آید.

فاصله سوم، درباره موضوع علم است، حیثیت‌های مختلف موضوع، علم را متعدد نمی‌کند، لهذا موضوع علم حکمت و کلام بکی است که همان موجود بمهما موجود باشد، لکن جهت تبیث دو تابست. هکذا اینکه صوفیه جهت تبیث را به کشف قرار داده اند و حکیم به

<sup>۱</sup> بایع الحکم، صفحه ۲۲۹-۲۲۰ (باتخیص).

کریمخان که خارج از موضوع بحث آقایی می‌باشد آورده است، دکتر مهدی حائری بزدی در کتاب کاوش‌های عقل نظری (بدون تصریح نام آقایی) و دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی در کتاب معاد لز دیدگاه حکیم زبوزی بخششانی از این مناظره را نقل کرده‌اند. دکتر سید مصطفی محقق داماد در فصلنامه نامه فرهنگستان علوم متن کامل این مناظره را براساس نسخه چاپ سنگی منتشر کرده است (تابستان ۱۳۷۵، شماره ۴).

\*\*\*

تصحیح نهایی جلد اول و دوم این مجموعه و اکثر تصحیحات این مجلد و نگارش این مقدمه در زمانی صورت می‌گیرد که به اتهامی غیر موجّه سومین ماه اسارت خود را در زندان اوین می‌گذرانم.

صدر المتألهین در رساله سه اصل، راز مخالفت اهل ظاهر زمان را با خود بدقت تصریح کرده است: «و همین علت است که منشاء عادوت تو و همسرانت با فقیران و گوششینان شده است، زیرا که تو و ایشان می‌خواهید که از راه شید و ریا و تشید به علماء، کسب جاه و عزت و تحصیل مال و ثروت کنید، و عوام را به زور حیله و تلبیس صید خود سازید، و اسباب تمتع دنیا را از راه صورت صلاح و تقوی فراهم آورید. و اگر از کسی استشعار آن نمودید که بحسب باطن آگاه و مطلع است بر مکر و غدر و نقص و جهالت و کید و بطالت امثال شما، می‌خواهید که بنیادش در روی زمین نباشد، که مباداً چیزی از روی سر زندان را فعل و قول و عمل که منافق مسلک و هوای پرستی و غرور باشد، و اگر خود احیان‌آفرین مقام تصیحت در آید باشیوهٔ جاهلان و منافقان را مذمت نماید، پا کلمه‌ای از روی حقیقت بر زبان آورد که مضاد طبیعت اهل شید و مکر باشد، فی الحال دودکبر و لخوت از مهواری دیگدان غصب و شهوت غلیان پذیر فته، به مصدع دماغ مرتفع گرد و درون گنبد دماغ را چنان تیزه و سیاه سازد که جای هیچ‌الدیشةٔ صحیح در آن نماید، و چنان گرد و غبار خقد و حسد ضفحة‌اینه ادر اک را فروگیرد که گنجایش صورت تصیحت نماید و پژراج عقل که به اندک سببی از غایت کم نوری مخفی می‌گردد، از باد لخوت دماغ فرو میرد.

شمع دلشان نشانده پیوست آن باد که در ماغشان هست  
فی الحال در مقام خصوصت و جدال یا مکر و احتیال در آمده، به چندین وجه رد

استدلال، باز حکمت و عرفان را در علم نمی‌کند. واضح است که این رأی خلاف نظر مشهور است، به‌هر حال این رساله ضعیف‌ترین رساله این مجموعه از حیث انتساب به آقایی و به لحاظ سطح مطالب و احتمالاً تقریر یکی از شاگردان وی است که نام وی بر ماجهول است.

#### ۱۴- مناظره با حاج محمد کریم خان کرمانی

حاج محمد کریمخان قاجار کرمانی (۱۲۸۸ق) از بزرگان شیخیه پس از سید کاظم رشتی در جمیع فنون عقلیه و فقیهی دعوی استادی داشت. در جمادی الاولی ۱۲۷۵هـ ق در حضور جمعی از بزرگان از علماء شاهزادگان در تهران مناظره‌ای علمی بین وی و آقایی انجام شد. خلاصه بخشی از این مناظره توسط یکی از حاضرین به زبان فارسی ثبت شده که شامل پنج قسم است:

- ۱- آیا راهه عین ذات است یا خارج از ذات؟
- ۲- آیا صورت مقدم است بر ماده یا ماده بر صورت؟
- ۳- در لازم و ملزم یا ک جعل بیشتر است.
- ۴- نحوه صدق قضیه‌ای از قبیل شریک الباری معتبر.
- ۵- معنای قاعدةٔ پسیط الحقيقة کل الاشیاء.

این مناظره بخشی از رساله مناظرات ارکان دولت با جناب حاج محمد کریمخان کرمانی است. از این رساله دو نسخه در دست است:

- ۱- نسخه چاپ سنگی، شماره ۷۵۶۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تاریخ تحریر ۲۸ شعبان ۱۲۷۶. ما از این نسخه بارمز (س) یاد کرده‌ایم.
- ۲- نسخه خطی شماره ۳۳۲۵ (میکروفیلم شماره ۶۰۹۹) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تحت عنوان مناظرات علماء با محمد کریمخان قاجار، تاریخ کتابت ۱۲۸۱، ما بارمز (خ) از این نسخه یاد کرده‌ایم.<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که تنکابنی در قصص العلماء بخش اول مناظره حاج محمد

<sup>۱</sup> باسیان لز آقایان سهلانی مددی و سید ابراهیم اشکنایی که در شناسایی سیخ و تصحیح متن مناظره بازیم کردند.

ارج قبول و اقبال پیوسته، و در نظر دیداران داناتر و شایسته‌تر است. پراچنین بیاشد؟ در حالی که پیشوایان ایشان گروهی هستند به دور از فضل و درستی که شاهد هایشان از لباس عقل و راستی خالی، و سینه هایشان از زینت آداب و علم تهی است. چهات خیر و نیکی در چهره شان ناید است.<sup>۱</sup>

صدر المتألهین در دیوان اشعارش در شکوه ایهای سوزناک ظلمی که بر فضیلت رفته است، به ظلم کشیده است:

خست ابنای جنس می کشد  
خانه عقل و خرد را آب برد  
بس چفاها کز کسان دید و شنید  
از نگون ساران چهادید و شنید  
بس سخن کز خامشی از یاد رفت  
رازها دارم نهان کو محرومی  
محروم راز دل این روح کو  
می گشود من متاع این جهان  
می شکفت همچو گل اندر چمن  
داد این حق ناشناسیها بسی  
بر حکیمان ابلهان محنت فزا  
بر سلیمان دیو و دفر مارو<sup>۲</sup>

امید که لر باب فضل کاستی های مجلد سوم این مجموعه را که برخی ناشی از موقعیت ویژه ای است که بر من تحمل شده است بر این قلم بپختایند و بالایه انتقادات و پیشنهادات خود در أحیای میراث سلف صالح سهیم شوند.

احیای آثار آقایی مدرس طهرانی نزدیک به چهار سال از عمر مرابه خود مصروف داشت، تحلیل انتقادی آراء ابتکاری حکیم مؤسس کتابی مستقل در معرفی تفصیلی

سخنانش نمایند و قدرش را در نظر باشکند.<sup>۱</sup>  
صدر المتألهین در ادامه به زبان شعر این گونه دشمنان معنویت «خرد و آزادی را ترسیم می کند»:

عشوه جاه و زرخرب دستند  
سر بیلغ و دل زمین دارند  
همه در عقل سامری وارند  
از ره شرع و شرط برگشته  
بس روان کرده از هوا فرق  
همه زشتان آینه دشمن  
مرگ به باچنین حریفان مرگ<sup>۲</sup>  
مقدمه اسفار ادعائمه سوزناک ملاصدرا علیه قدر ناشناسیهای زمانه خود است:  
«می دیدم زمانه از روی دشمنی، دل بر تربیت نادانان و فرمایگان بسته، و آتش جهالت و گمراهی از بدی حال و پستی را جل سر بر کشیده است. من گرفتار مردمی گشتمام که فهم و دانش از افق وجودشان غروب کرده، و دیدگاشان از نگرش به انوار حکمت و رازهای آن مانند شب کوران از تابیش انوار معرفت و آثار آن، نایبا و کور است. آنان، تفکر در امور ربانی و اندیشیدن در آیات سبیحانی را بدعت شمارند، و مخالفت با مردم عادی و فرمایگان را گمراهی و مکر پنداشتند.

... در این حال جهل و نادانی، رایت برافراشته، و نشانه های خود را آشکار نموده، در نتیجه دانش و فضل آن را زین برده و عرفان و اهل آن را خوار شمرده و از حکمت روی برگردانیده و از روی ستیز و انکار آن را از اهلش باز می دارند، لذا طبیع ز از حکمار ماند، و داشمندان و عارفان و برگزیدگان امتر امر دود شمرده و خوار می دارند، از این روی هر کس در مزداب جهل و کودکی بیشتر فرو رفته و از نور معقول و منقول عاری تر است، به

۱. صدر المتألهین رساله ساده اصل، ص ۶۲.

۲. پیشمن، ص ۷۵.

۱. ترجمه صفحات ۵ و ۶ چلدارل اسفار صدر المتألهین.

۲. مجموعه اشعار ملاصدرا، اصناف، صفحات ۹۴، ۹۲، ۹۳ و ۹۷.

فلسفی اندیشه این حکیم متاله است که امیدوارم به زودی به دوستداران فلسفه اسلامی تقدیم شود.

این چهار مجلد بعلاوه «دفتر عقل» و «زمان در فلسفه اسلامی» حاصل کوشش‌های این قلم در مرحله اول عقلی خود است. مرحله‌ای که می‌پندرام طی شده است، امیدوارم که خداوند سبحان توفیق پیمودن مرحله دوم را عنایت فرماید. شرح این دو مرحله و نقد مرحله اول مجالی دیگر می‌طلبید.

وظیفه خود می‌دانم از خدمات کارکنان محترم انتشارات اطلاعات تشکر کنم.  
اللهم استعملنی فی مرضاتك عملاً لا اترك معه شيئاً من دينك مخافة احد من خلقك.

محسن گدیور

تهران - ۱۳۷۸ - ربیع‌الثانی

## بخش اول: رسائل فارسی